

رئیس ماده ۳ خوانده میشود - عبارت ذیل قرائت شد .
 ماده ۳ هرگاه کسی که برات بعهده اوست بعد از قبولی نوشتن از ادایه تمام یا قسمتی از زوج آن امتناع کند دارنده برات آن را مطابق مواد آتی به پروتست رسانده و مطالبه وجه آنرا مینماید .
حاج معین الرعايا - بنده باز تکرار میکنم عرض اولی خودم را که در شور اول عرض کردم و تأسف میخورم از اینکه بواسطه وضع این چند ماده آن مواد سابقه بکلی لغو میشود و چند ماه دیگر باز محتاج خواهیم شد بگذاردن چند ماده از مجلس برای اصلاح این مواد برای آنکه مادر اینجا نوشتیم که اگر سابق غیر معتبر شنیده شود برات دارنده باسین خود رجوع کند در صورتیکه همچو چیزی ممکن نیست و در هیچ جا هم معمول نیست که باسین خودش رجوع بکند .
رئیس - آن موضوع گذشت در این ماده اگر نظریات دارید بفرمائید .
حاج معین الرعايا در این ماده هم مینویسد (هرگاه کسیکه برات بعهده اوست بعد از قبولی نوشتن از ادایه تمام یا قسمتی از زوج آن امتناع کند دارنده برات آنرا مطابق مواد آتی به پروتست رسانیده و مطالبه وجه آنرا مینماید) اینجا باید معین شود چرا وجه را نمیدهد باعتبار نمیدهد یا اینکه ورشکست میشود و در صورت اول هم قبول نکرده است یا اینکه برات ضروری است که باید برگشت بکند یا اینکه آن کسیکه وجه برات را باید بدهد باختیار نمیتواند بدهد اینجا همین قدر نوشته است که امتناع نماید اینطور نمیشود باید معین شود که امتناع چیست چه میشود برای اینکه يك دفعه این است که ورشکست میشود و نمیتواند بدهد و در اینصورت حکمش این است که نمی تواند این است که قبول کرده است و نمیدهد در آن صورت می بایستی به پروتست برساند و در صورتیکه قبول نکرد از سابق خودش مطالبه میکند اما در صورتیکه قبول کرده و هیچ ورشکست هم نیست فقط دلت میخواهد که بدهد تصور نمیکند که يك چنین اختیاری را بشود بدارنده برات داد بلکه باید نوشت قبولی نویسنده به سایر آتی که قبولی نوشت میبایست وجه برات را بدهد .
آقاشیخ ابراهیم - عرض کرده تمام اشکالاتی که تولید شده است از اینجا شده است و نوشتن این مواد هم برای همان است و آن اینست که اگر قبولی نویسنده امتناع کند از دادن برات گیرنده چرا باید بیجهت یا او طرف بشود و برود به معاکمه کند او باید برود از آن کسیکه باو پول داده است و برات گرفته است مطالبه بکند نه اینکه با قبولی نویسنده دعوا بکند سخت گیری میکنند که حکماً توفیقی نوشته باید بدهد این شخصیت کدر وسط است و قبولی نوشته است که اگر رفت بدهد و باعتبار اینکه مینماید قبول کرده است وقتی که نداد این برات دارند می رود میگوید آقا این برات را که شما دادید طرف شما نمیدهد پول مرا که گرفته ام این خود اگر طالب داری برو بگیر اینطوریکه در سابق نوشته شده بود که قبولی نویسنده همینکه قبولی نوشت برات دهنده اولی از طرفیت خارج میشود این يك صدمه و يك ظلمت است نسبت به برات گیرنده ولی اینطور نوشته شود .

گرفته شود کادر در حال برات دهنده مسئول وجه است که برات داده است مثل این است که پول در کیسه برات گیرنده است برات را میبرد بطرف نشان میدهد همینکه قبول نکند یا قبول کرد و نداد بر برگردد میگوید آقا پول مرا بده برات خودت را بگیر .
حاجو کیل الرعايا - چنانچه آقای مخبر توضیح دادند بعد از پروتست پول را چنانچه در ماده ۲ گذشت از گیرنده وجه میگیرد و این خیلی ترتیب معنی صحیحی است لکن اگر میخواهد باز برگردد و از آن قبولی نویسنده بخواهد بنده در اینجا چنین چیزی نمیبینم که بخواهد برگردد و اگر هم بخواهد برگردد بنده بکلی مخالف هستم باقرامشات آقای حاج معین الرعايا که مینماید قبولی نویسنده باید به ادایه وجه برات ملزم باشد برای اینکه این است که بر قبولی نویسنده يك حکمی داشته باشد نمیتواند تجارت را اداره کند بجهت اینکه این بکلی قانون بین المللی را زیر و زیر میکند و هیچ نمیکند يك براتی در دنیا برگردد دنیا چنانچه وزیر هم اظهار داشتند منصرف ایران نیست اینکار تعلق به خانواده بشری دارد منحصر باینجا نباید باشد باید عمومی باشد یعنی اگر ما میخواهیم در خانواده بشری زندگی کنیم ناچاریم قبول بکنیم همین است قبول بکنیم معین است والا هر قبولی نویسنده هیچ الزامی نمیشود کرد هر زحمتی هست برعهده برات کننده یعنی آن کسیکه برات را امضاء کرده است میباید و اگر این را قبول میکنند چون از فهم بنده بیرون است خوب است آقای مخبر تصریح بفرمائید که بعد از پروتست فوری ننگران بکنند که برات شما تمام با فلان مبلغ از پول او ترسیه و بایده فوراً به محض اینکه تئوگراف رسید اگر شرف دارد پول او را روی میز بگذارد و بگوید این پول شما را دارید و برود اگر شرف دارد **آقاشیخ ابراهیم** - مواد دیگری که ملاحظه بفرمائید برای اینکار نوشته شده است در قانون سابق که کسی که برات را ننگول کرد ۴۸ ساعت صبر میکند بعد باساق تجارت میرود و پروتست میشود ولی این ماده وضع شده است از برای اینکه هر آه قبول کرد و معذالك امتناع کرد باز به پروتست بر میگردد زیاد بر این را این ماده میگوید میگوید و اینهم مخالفی با ترتیب پروتست عدم قبول ندارد و اما اینکه فوراً تئوگراف بکنند این را که دیگر نمیتوان در ماده فرار داد .
وزیر عدلیه - عقیده بنده این است که این ایرادی را که آقای حاجو کیل الرعايا کردند وارد نیست زیرا این عبارت مقصود را نمیرساند برای اینکه برات وقتی که پروتست شد باید بیک ترتیب معینی مطالبه شود یعنی باز به ترتیب رجوع هر لاحق بسابق تا برسد به برات دهنده اولی عقیده بنده این است که اگر در آخرش زیاد شود که مطابق فلان مطالبه خود را میماند بهتر است و این اشکال رفع خواهد شد .
رئیس - حالا گمان میکنم که آقایان مذاکرات را کافی بدانند (اغلب گفتند کافی است) اصلاحی آقای ارباب کیخسرو پیشنهاد کردند خوانده میشود و در قابل توجه بودن آن رأی میگیریم بعبارة ذیل خوانده شد .
 بنده پیشنهاد می کنم ماده ۳ - اینطور نوشته شود :

هرگاه کسیکه برات بعهده اوست بعد از قبولی نوشتن از ادایه وجه آن امتناع کند دارنده برات مطابق مواد ذیل آن را مورد اعتراض قرار داده مطابق ماده دو مطالبه وجه میشود .
ارباب کیخسرو - بنده لازم دانستم که در این ماده يك عبارتی نوشته شود که مقصود را بهتر برساند بجهت اینکه مینویسد «هرگاه کسی که برات بعهده او است بعد از قبولی نوشتن از ادایه تمام یا قسمتی از زوج آن امتناع نماید» در صورتیکه همچو چیزی نمیشود یعنی آن کسیکه قبولی نوشت باید تمام وجه را بریزد و یا تمام براد کند خصوصاً که در ماده شش هم شرط شده است که قبول نباید متعلق به هیچ شرطی باشد و در صورتیکه هیچ شرطی در موقع قبولی نمیشود نوشت معلوم است که قبولی نویسنده با باید تمام او را کند یا باید تمام او را قبول بکند نمیشود که يك قسمتی را بریزد و يك قسمتی را بماند دیگر اینکه در اینجا نوشته اند مطالبه وجه را مینماید و هیچ معنی نکرده اند که بجهت ترتیب باید مطالبه بکند این است که بنده در پیشنهاد خود رجوع کردم ب ماده دو آن کلمه پروتست را هم تغییر دادم و پیشنهاد کردم که نوشته شود مورد اعتراض فرار میدهد .
آقاشیخ ابراهیم - اما تقسیم باین معنی که بعضی را قبول کردن و بعضی را قبول نکردن این در تمام قوانین است مانی توانیم آنرا لغو بکنیم از این جهت نوشته ام آنچه دردمشود پروتست میشود و این در تمام قوانین هست در قانون عثمانی هم که تصریح کرده اند قبول کنند نمیتواند قسمتی از آنرا بریزد و قسمتی را بدهد اینکه اشکالی ندارد اما در باب اینکه قبول نباید متعلق بشرط باشد این يك چیز دیگری است و راجع است باینکه نویسنده من قبول میکنم اگر پول رسید بدهم و از این قسم تصفیات در قبولی نوشته نشود بلکه یا باید بنویسد قبول کردم یا باید بنویسد قبول نمیکند اما آن مطلب اولی در تمام قوانین این است او را منع نمیتوان کرد و اینکه فرموده معین نشده است چرا تصریح شده است بخوانند مینویسند دارنده برات آن را مطابق مواد آتی به پروتست رسانیده و مطالبه وجه آنرا مینماید چون در مواد آتی معنی میکند که حضور مطالبه میکند در آن محل یا محل سابق رجوع میکند همه آنها را مواد آتی تصریح میکند .
رئیس - حالا این اصلاح را قبول دارید یا خیر .
آقاشیخ ابراهیم - آن قسمت آخرش عیبی ندارد .
ارباب کیخسرو - بنده هم قسمت اولش را پس میگیرم .
رئیس - پس رأی میگیریم باین ماده باین قسمتی که اصلاح شده است .
 هرگاه کسی که برات بعهده اوست بعد از قبولی نوشتن از ادایه تمام یا قسمتی از وجه آن امتناع کند برات آنرا مطابق مواد آتی مورد اعتراض قرار میدهد .
آقاشیخ ابراهیم - لفظ پروتست باید باشد (اعتراض) پروتست نیست پروتست خودش يك ترتیبی

دارد و برای آن در مواد بعدیک ترتیبی قرار داده شده است اینرا نمیشود تغییر داد و اگر حذف کنیم تمام این قانون بهم میخورد .
رئیس - پس اینطور نوشته میشود .
 دارنده برات آنرا مطابق مواد آتی به پروتست رسانیده مطابق ماده دو مطالبه وجه آنرا مینماید آقایانی که باین ماده باین ترتیبی که خوانده شد موافقت قیام نمایند (اغلب قیام کردند) با اکثریت ۴ رأی تصویب شد . ماده ششم را کمیسیون در این راپورت آخری که داده است حذف کرده است ولی چون رأی ب حذف نمیشود گرفت ماده ششم راپورت سابق کمیسیون خوانده میشود و رأی میگیریم وقتی که آقایان بآن رأی ندادند حذف میشود .
 (ماده ۷ - راپورت سابق بعبارة ذیل قرائت شد) شخصی که برات باو شده است هرگاه برات را قبولی نوشت قبولی خود را نمیتواند تغییر بدهد **آقاشیخ ابراهیم** - این دیگر واضح است هدینکه ملزم است را ما الان رأی دادیم که ملزم نیست قهراً این ماده نسخ شده است .
رئیس - رأی میگیریم آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند رد شد) عبارت نباید قبول متعلق بشرط باشد در کمیسیون پیشنهاد کرده است که اضافه شود ماده هفتم سابق ماده هفتم بالحق این مه خوانده میشود (بعبارة ذیل قرائت شد) .
 ماده ۷ - شخصی که باو حواله شده است نمیتواند قسمتی از مبلغ حواله شده را قبولی بنویسد در اینصورت بقیه وجه برات را دارنده برات میتواند پروتست نماید قبول نباید متعلق بشرط باشد .
آقاشیخ ابراهیم - این عبارت اگر باینطور الحاق شود شاید اشکالی پیدا شود که این راجع باین ماده است و در صورتیکه اینطور نیست بهتر این است که نوشته شود قبول هیچوقت نباید متعلق بشرط باشد .
هشردی - میخواستم عرض کنم که خوب است اینرا بکنند علیحدگی بکنند .
آقا شیخ ابراهیم - ممکن است ماده ششم بشود با بآخر ماده هفتم الحاق شود چندان اهمیتی ندارد .
رئیس - کدامش بشود ماده ششم یا با آخر ماده هفتم الحاق بشود .
آقاشیخ ابراهیم - فرق ندارد همان با آخر ماده هفتم الحاق بشود .
رئیس - پس ماده هفتم مجدداً قرائت میشود . (خوانده شد) بالحق جمله در قبولی هیچوقت نباید متعلق بشرط باشد بآخر آن .
رئیس - آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند) با اکثریت ۵۲ رأی تصویب شد ده دقیقه تنفس میشود .
 (بعد از تنفس مجدداً یکساعت قبل از غروب تشکیل گردید) .

رئیس - در راپورت سابق کمیسیون عدلیه يك ماده العاقبه پیشنهاد کرده بودند حالا باید در آن ماده رأی گرفت یا اینکه مسترد بدارند .
آقاشیخ ابراهیم مخبر کمیسیون - آماده رالازم نمانستند آقای وزیر عدلیه هم فرمودند که لازم نیست .
رئیس - پس مذاکره در کلیات است مخالفی هست؟ (مخالفی نبود) پس رأی میگیریم بکلیه این قانون قبول و نکول پروات بهترینی که قرائت شد در موادش رأی دادید آقایانی که موافقت قیام نمایند (با اکثریت ۴۹ رأی تصویب شد) .
 راپورت کمیسیون بودجه راجع بحقوق یوسف مجاهد که وزیر پیشنهاد کرده بود ماهی چهار تومان بورا او بدهند کمیسیون بودجه ماهی سه تومان تصویب کرده است راپورت او هم طبع و توزیع شده نمایندگان ملاحظه فرموده اند مخالفی در این باب نیست ؟
ادیب التجار - در کلبه توضیحا عرض میکنم این یوسف مجاهد روز ورود مجاهدین به فرودین .
رئیس - آقا شما مخالف هستید؟
ادیب التجار - خیر موافقم میخوام توضیح عرض کنم و ماهی سه تومان را کم میدانم همان چهار تومان که ویر معین کرده بود بنده پیشنهاد میکنم .
رئیس - پیشنهاد کرده اید ؟
ادیب التجار - الان پیشنهاد میکنم اجازه بفرمائید اول توضیحش را عرض کنم .
رئیس - لازم توضیح نیست .
آقا شیخ علی شیرازی - بنده عرض میکنم که نظائر این مکرر ب مجلس آمده و میاید و عیبی ندارد این است که لفظ ورته یک قدری اجمال دارد بواسطه اینکه ورته یعنی سرو دختر و زن پسر بماند و ضریق قسمت هر کس از این عبارت معلوم نیست که آیا همانطور است که در شرع کما فرض الله مقرر شده است که برای پسر دو قسمت باشد و دختر یک قسمت و پسر و مادر هم شش پانزده میرند یا اینکه طور دیگر این مجمل است خوب است که معین شود اگر معین نشود آنوقت فردا دچار اشکال میشود .
ناصر الاسلام - این پیشنهاد کمیسیون را اگر مخبر کمیسیون توضیح میداد که از چه مدرك است ممکن بود موافق باشم زیرا وزیر ماهی چهار تومان تصویب کرده بود و لابد تحقیقات کرده بوده است یعنی استحقاق کامله داشته است که این ماهی چهار تومان را بوزارتین او تصویب کرده است که داده شود و نظر نمایندگان محترم هم همه وقت بر این بوده است که اشخاصیکه در راه ملت فداکاری کرده اند مورد رعایت واقع شوند بنده عقیده ام این است که بهمان چهار تومان که از طرف وزیر پیشنهاد شده است رأی گرفته شود بجهت اینکه این پیشنهاد کمیسیون بنای صحیحی ندارد یعنی کمان

میکنم که این پیشنهاد کاملاً رعایت نشده است و همان پیشنهاد وزیر بهتر است .
رئیس - پیش از این مذاکره نمیکند آقای مخبر توضیح بدهند آنوقت رأی میگیریم **حاج عز الممالک مخبر کمیسیون** - توضیح ورته را که آقای آقاشیخ می خواستند مقصود کمیسیون همان ورته قانونی است که در قانون متوفیات ذکر شده است و راجع بفرمایش آقای ناصر الاسلام هم کمیسیون عقیده اش این بود که این زیاد است و نمیشود پیشنهاد وزیر رأی داد حالا دیگر بسته بنظر اکثریت مجلس است .
رئیس - در پیشنهاد آقای ادیب التجار نمیتوانیم رأی بگیریم برای اینکه پیشنهاد ایشان عین پیشنهاد وزیر است و اگر بنا بود که یکی از نمایندگان موادی را که یکی از وزراء پیشنهاد میکند اختیار بکنند آن وقت حق تقدمی که کمیسیون نیست بلبایحه وزراء دارد سلب میشود این وقتی میشود که وزراء موادی را پیشنهاد کرده اند مسترد بمانند آن وقت یکی از نمایندگان آن پیشنهاد را قبول کند و اول در راپورت کمیسیون رأی گرفته میشود بعداگر پیشنهاد کمیسیون تصویب نشد در آن پیشنهاد رأی گرفته میشود حالا رأی میگیریم بر راپورت کمیسیون آقایانیکه تصویب میکنند ورته آبی (در این موقع شروع و آقایانیکه رد میکنند ورته آبی) شماره نمود ورته سفید علامت قبول ۳۴ ورته آبی علامت رد ۲۰)
رئیس - این بلا تکلیف مانده (اسامی تصویب کنندگان)
 آقا میرزا رضا خان نائینی - حاج سید ابراهیم علی زاده - دهخوارقانی - آقا شیخ غلامحسین نیرالسلطان - آقا سید محمد باقر ادیب - معاضد الملك - فهیم الملك - حاج عز الممالک - ضیاء - الممالک - معزز الملك - محمد هاشم میرزا - نجم آبادی - فرزانه - آقا میرزا مرتضی قلیخان - آقا میرزا رضا مستوفی - ابوالقاسم میرزا - آقا سید حسین اردبیلی - آقا سید حسین کزازی - لسان الحکماء - آقا سید محمد رضا - منتصر - السلطان - آقا میرزا احمد - آقا سید جلیل - آقا میرزا داودخان - دکتر علیخان - متین - السلطنه - شیبانی - صدر العلماء - سلیمان میرزا - حاج سید نصرالله - ذکاء الملك - آقا میرزا ابراهیم خان (اسامی اشخاصیکه رد کردند)
 آقا میرزا علی اصفهانی - حاج میرزا رضا خان - آقا میرزا ابراهیم قمی - حاج مصدق - الممالک - دکتر اسمعیل خان - ادیب التجار معین الرعايا - ضابطایی - دکتر حیدر میرزا - میرزا قاسم خان - معتمد التجار - انتظام الحکماء - اعضاء الملك - ناصر الاسلام - وکیل الرعايا - ارباب کیخسرو - افتخار الواعظین - سعید الاطباء - حاج محمد کریم خان - آقاشیخ علی شیرازی .
رئیس - راپورت کمیسیون قوانین ماله

راجع به متوفیات که حقوق وراث آنها از دو تومان کمتر است شور اول این قانون در پنجم همین ماه گذشت حالا باید رأی بگیریم که داخل در شور دوم این قانون بشویم آقا باینکه تصویب میکنند قیام نمایند (با کثرت تصویب شد - ماده اول بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده یک - حقوق سهمی هر یک از وراث که نقداً جنساً از دو تومان تجاوز نکند وزارت مالیه از طرف دولت ه برابر مبلغ آنرا نقداً بدون کم و کسر بورات داده و آن حقوق را ابدی ضبط می نماید .

حاج شیخعلی - اگر چه بنظر بعضی از آقایان این قانون دو تومان است و پنج مقابل او ده تومان خواهد شد اما بنده این را اینطور تصور میکنم این قانون راجع خواهد شد یک رمانیکه سی سال یا چهل سال باشد و همچنین بروهیکه شاید پنج کرور برسد آنوقت در مقابل آن دولت باید پنج کرور بدهد اگر چه یقین دارم که آقایان با بنده مخالفند اما بنده مجبورم که بعضی از عرایض خود را بکنم چنانچه در شور اول هم عرض کردم که این حقوق یک تومان و دو تومان حقوقی نیست که کسی در صدد او برآید و قبض او را صادر کند چون سابق بوده است راجع به متوفیات نخواهد بود و اما این حقوقات یک تومان یا دو تومان فایده اش بدو نوع از اشخاص بوده است یک قسمت اشخاصیکه مالیات بده بودند در عوض مالیات این یک تومان یا دو تومان را محسوب میداشتند یک قسمت دیگر آن اشخاص بودند که مالیاتی نمیدادند فایده آن راجع به حاکم یا مالکین صاحب نفوذ آن شهر بوده است که این گونه حقوقات را جمع میکردند و در عوض مالیات خودشان محسوب میداشتند خیلی از اشخاص که یک تومان و دو تومان حقوق داشته بنده دیده ام که در صدد قبض صادر کردن آن بر نماییند بواسطه اینکه دور روز یا سه روز باید از شغل خودشان بیکار شوند تا اینکه قبض آنرا یا حواله آن را صادر کنند اگر بعضی از آقایان این حقوقات را مشروع میدانند بند مشروع نمیدانم بخصوص این یکتومان و دو تومان را و اینکه میفرمایند که مان ضعفاء است خیر همچو چیزی نیست مثل اینکه بگوئیم آنکس که چهارمقال تریاک میکشد باید جلوگیری کرد و آن کسیکه چهار نخود میکشد نباید جلوگیری کرد این ها یک عاداتی است که در سابق بوده است یک تومان بوده است خوب است صد تومان بوده است خوب است همه در یک عرضند کم بودن حقوق دلیل بر ضعفاء نمیشود بسا اشخاصی هستند که خیلی هم غنی هستند و این دو تومان را میگیرند حقوق کم چه دخنی بضعفاء دارد لهذا بنده پیشنهاد می خواهم بکنم ضبط شود بدون اینکه چیزی در ازاء آن داده شود این که آقایان پیشنهاد کرده اند که پنج مقابل بدهند خیلی غلط است از دو جهت قانونی یکی اینکه در نظامنامه داخلی یک ماده داریم که نباید آن فصلی را که بودجه بر آن تعلق میگیرد از پیشنهاد وزیر اضافه شود وزیر سه برابر پیشنهاد کرده بود آقایان اسمش را گذاشتند به ضعفاء

پنج مقابل تصویب کرده اند و دیگر اسمش را گذاشتند ابدی این حقوق ابدی نیست گویا قانون متوفیات از نظر آقایان رفته است این پانزده سال است و ابدی نیست دو تومان تا پانزده سال که بورت میرسد سی تومان خواهد شد و طلبکار میشود از دولت هفت سال و نیم و هفت سال و نیم بقاعده تجارت نزول کم کنیم و تومانی صد دینار سی تومان رانزل کم کنیم پنج شش تومان میشود برای چده تومان بدهند اگر ما بخواهیم تصویب کنیم برای اینکه حقوق که کم است مال ضعفاست اما باینطور نیست که میفرمایند و بدان مانده که بگوئیم اگر شیری حمله نماید باید جلوگیری کرده چون قوی است و اما اگر مار یا عقرب باشد نباید جلوگیری شود ضعیف هستند لهذا بنده پیشنهاد کرده ام که اینها باید ضبط بشوند و در همان هفت سال و نیم موعده اگر تومانی صد دینار نزول کم کند اگر شش تومان باقی بماند و چرا باید پنج مقابل که ده تومان میشود داد .

رئیس - خاطر نماینده محترم را متوجه میکنم که آن مطلبی که گفته ام به قانون بودجه است هیچ ربطی باین قانون و این ماده ندارد .

حاج وکیل الرعایا - عرض میشود در این جا اظهار شد که شاید این یک کرور بشود مخارجی که دارد دولت در این مملکت یکی را پنج بهم فری است در عوض کار و خدمت یکی راجع بوظایف است این ترتیب راجع با قسمتی است که در وظایف همین قدر یک مستندی از سابق بدست آورده است و با آن سمت یک چیزی مطالبه میکنند و اینها بعد از مردن آن صاحب مطالبه دولت مجبور میشود که یک فرماتی بدهد بموجب آن قانون با شخصی که نصف آن حقوق را بگیرند اگر ده تومان بود و با این پنج نفر تقسیم میشد آنوقت برای چند نفر یک فرم می نویسنده و اسمی آنها را آنجا بکنجانند و از برای هر یک از آنها یک تومان پانزده هزار هر چه آن قانون حق بد میمن کنند که در وقت مطالبه بگیرند این ترتیب برای وزارت مالیه یک زحمتی بوده است خواسته است این زحمت را از خودش دور کند خواسته است با اجازه مجلس یک حق بیدار بکند که اگر توانست از آن اشخاص این حقوق جزئی را ببرد برای دولت و آن ابدی بودنش راجع بخریداری است هر چه زمانش بیشتر آن نفع ماست و اما اینکه سه برابر یا پنج برابر چرا یکی از اشخاصی که عقیده اش این است که پنج برابر زیاد نیست بنده هستم برای اینکه بنده میدانم اینها خیلی کمند بلا و وقتی که آن اشخاص در سال فوت میشوند عده آنها هر قدر باشد آن چیزی که کم او میماند یک مبلغ زیادی هم همراه خودشان دارند بجهت اینکه فقط آن اشخاصی کم دارند میبرند ممکن است که آن اشخاصی هم که وظیفه زیاد دارند نبرند پس اینکه در وزارت مالیه جمع میشود یک عایدی است و آن چیزی را که این قانون متوجه است آن اشخاصی است که کوچکند و وظیفه کوچک دارند این را لایق نمیدانند که فرمان تازه صادر کنند و بنویسند یک اجازه خواسته است از مجلس که اینها را بتواند خریداری کند و از دفاتر دولت بیرون بیاورد و خیلی سهولت میدهد بکار و اگر در پنج برابرش

کسی عقیده داشته باشد که زیاد است البته رأی خودش را عوض میکند و بنده از اشخاصی هستم که آنرا زیاد نمیدانم و هیچوقت هم اگر ملاحظه بفرمائید ممکن نیست که در سال یک بلغمی بشود که بیشتر از پنج شش هزار تومان بشود خریداری اشخاصی که در دفتر مالیت هست راجع بوظایف یک مبلغ خیلی خیلی عمده نیست و اینرا بنده زیاد نمیدانم و گمان میکنم که نباید این مقدار را از آنها مضایقه کرد و شاید هم توی آنها خیلی اشخاص اهل استیصال باشد اینطور نیست که همه او راجع باشد باشخاص که عوض مالیات محسوب دارند بله شاید چنین هم باشد که فرمودند که شاید بعضی اشخاصی هم بکنند کوچکی دارند و اینرا هم برای یک تخفیفی بدست آورده اند لکن خیلی کم است نسبت با نهایی دیگر .

حاج سید ابراهیم - اولاً دو کلمه اینجا افتاده است یکی کلمه سال دیگر اینکه این وراث یعنی از زمان وضع این قانون به بعد در پیشنهاد وزارت بود در صورتیکه حقوق از آنجا از دو تومان تجاوز نکند و در این راه پورت اعم است از زمان وضع این قانون و شامل میشود وراثی که از زمان وضع قانون متوفیات است و اگر اینطور اولی باشد وزیر مالیه پیشنهاد کرده بود که سه برابر بدهند و یک بر آوردی کرده بود که میدانست بچه اندازه میتواند از عهده بیرون بیاید و حالا یک اندازه زیاد کرده ایم و نظر وزیر مالیه هم مجدداً معلوم نشده است بنده گمان میکنم که همان سه برابر منظور شود بجهت این که ترتیبی که در گرفتن حقوق مردم منظور بوده است اگر یک تومان نقد به آنها بدهند خیلی ممنون هستند و خوشنود خواهند بود و در صورتیکه همان دو تومان به آنها داده شود اغلب آنها راضی هستند خصوص باین زحمت بسیاری که تحصیل حق میکنند و میکنند کاش که این همه گرفتار زحمت باشیم حالا پنج برابر حتماً با آنها داده شود لزوم ندارد عقیده بنده این است که اطلاع بوزیر مالیه داده شود تا نظر ایشان معلوم شود والا ما باینهم بگوئیم که سه برابر کم است و باید پنج برابر بشود این صحیح نیست یا اینطور بکنیم که وزارت مالیه مجبور نباشد و بگوئیم اگر میل داشتند بفروشند و راضی شدند آن وقت وزارت مالیه مجاز است که بخرد شاید پنجاه هزار تومان از این قبیل پیدا بشود و وزارت مالیه هم که پول ندارد باید پنج برابر هم بدهد و قانون هم می گوید حتماً باید این کار را بکنند این ترتیب مجبورت آور است و این مجبورت اسباب زحمت می شود پس اگر این پنج برابر تصویب میشود باید او را مجاز کرد نه اینکه حتمی کرد از آخرین آن .

فهرم الملک - بعضی اظهارات اقران آئین میشود در این خصوص مثل اینکه آقای حاجی شیخ علی رسانیدند این را بعد از چند سال چندین کرور و حال آنکه نمیشود چنین چیزی یک میلیونی ما معین کردیم از برای پرداخت وظایف متوفیات که قانون اوجندی نیست از مجلس گذشته است از دو هزار تومان بیلا کایه ضبط میشود از دو هزار تومان هم ششصد و چهل و یک تومان داده میشود و کلیه حقوقی هم که بعنوان مواج بر قرار است در حق اشخاص چاقشونی وجه غیرقشونی تفاوت نمیکند از پنج کرور

تجاوز نمیکند که به نسبت ۶۴۱ تومان از دو هزار تومان که حساب کنند قریب به هفتصد هزار تومان از کیه این پنج کرور بعد از فوت ارباب حقوق بورت داده میشود حالا اینهم یک مقدار زیادی است که راجع بورت خواهد بود و پیش از دو تومان خواهد بود از صد و پنجاه تومان کمتر یا بیشتر و یک مقدار خیلی جزئی او خواهد شد حقوق سه تومانی در تومانی باینج تومانی وقتی که میرا کل آنرا پنج برابر هم حساب کنیم شاید صد هزار تومان تجاوز نکند و صد هزار تومان هم در عرض چندین سال متدرجاً داده میشود و رفته رفته از آنها کسر میشود این هیچوقت چندین کرور نخواهد شد که الان در این خصوص واهمه داشته باشیم و این مسلم است که یک عده کثیری از این اشخاص هستند که راضی هستند از این زحمت و زحمت صدور فرمان و غیره آورده باشند که این مبلغ نقداً با آنها داده شود حالا یک عده باشند که اهمیت بدهند یا اینکه سالی هفت قران یک تومان دو تومان فرسماً در دیوان ما واجب داشته باشیم و بخواهد که اسم او در دفتر دولت باشد ولی میدانید اینها خیالات موهومی است بجهت اینکه اگر امروز ده تومان با بدهند برود بی کار کاسبی بهتر از این است که تمام عمر خودش را صرف کند که برود برات صادر کند و آنوقت هم تومان دوهزار در بازار بفروشد و اینکه فرمودند این مدت پانزده سال است چرا ایی نوشته اند این برای ضبط است اگر می نوشتیم که پانزده سال ضبط خواهد شد معلوم میشد که بعد از پانزده سال باید داده شود و این راهم که حاج سید ابراهیم میفرمایند این معلوم است که سالیانه است کایه ما حقوقی را که میدهم یک شمه بدهد داریم یک شمه مالیه داریم و اینکه میگویند شمه مالیه است و سالیانه است مادام العمر از دو تومان تجاوز نکند محسوب نخواهد کرد و اینکه راجع فرمودید بنظر وزیر مالیه که عقیده وزارت هم معین بشود بنه وزیر مالیه سابق عقیداش سه برابر بود بعد از اینکه رجوع شد به کمیسیون خودشان هم حاضر شدند و همراه بودند که این میزان دو تومان را پنج برابر بدهند و بقیه آنرا چهار برابر معین کرده اند اینهم تا حد معین تا بحدی حاصل شود بعد شاید عقیده دیگری داشته باشد این هیچ منافاتی ندارد با آنچه کدر شور اول مذاکره شد و گمان میکنم که راه پورت را نباید بدون مذاکره رأی داد .

حاج شیخ اسدالله - فقط بنده می خواستم این نکته را عرض کنم که بعضی از این ارباب حقوق در مرکز هستند و بعضی در خارج از مرکز یعنی ولایات بسا میشود که اسباب زحمت برای ا باب حقوقی که در خارج هستند میشود برای اینکه معین نکرده است که این وجه را از طرف دولت یا بنی توسط پیشکاران مالیه ولایات با آنها برسد یا این که بیابند در مرکز بگیرند اگر باین ترتیب باشد که بیابند در مرکز بگیرند برای هشت تومان یا ده تومان از پنج منزل یاده منزل بیابند مرکز بگیرند باید یک مبلغ کلی خرج بکنند برای گرفتن این ده تومان این اشخاص یکی قطع نظر میکنند و چشم میپوشند بنده مطابق همین مطلب پیشنهاد کرده و اول نوشته شود که وزارت مالیه در مرکز ولایات از طرف دولت پنج برابر الی آخر ماده .

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (رد شد) پیشنهاد حاج سید

آنکه این وجه با آنها رسید حقوق آنها ضبط میشود .
فهرم الملک - بنده تصور میکنم اگر اینها هم بنویسیم کدر مرکز ولایات بالطبع این را یاد در مرکز بادر ولایات خواهیم داد و جای دیگر نخواهند داد امروز این کسیکه دارای حقوق دو تومان است از کجا میگیرد از همان جایی که وزیر مالیه معین کرده است و قتیکه وزارت مالیه مجبور شد که فلانقدر بدهد هر طور باشد با او خواهند داد و او هم خواهد گرفت بهتر همین است که نوشته شده است که اختیار با مالیه صاحبان حقوق باشد و اگر غیر از این باشد فرض بفرمائید کما بنویسیم در محل فرضاً یک کسی یک قوق دارد در خراسان او اینجاست که در مرکز با بدهند وزارت مالیه حاضر است و مادست او را و دست وزیر را که نمیندیم هم او خواهد گرفت و هم وزارت مالیه خواهد داد .

رئیس - گویا مذاکرات کافی است سه فقره پیشنهاد شده است قرائت میشود و رأی میگیریم (پیشنهاد آقای حاج شیخعلی بعبارت ذیل قرائت شد .)

بنده پیشنهاد میکنم که حقوق سهمی وراث متوفیات که کمتر از دو تومان است ضبط دولت شود .
رئیس - رأی میگیریم باین اصلاح آقا باینکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (قابل توجه نشد) .
(پیشنهاد آقای آقا محمد بعبارت ذیل قرائت شد)
بنده در ماده اول ورثه صاحبان حقوق پیشنهاد میکنم - که بعد از لفظ تجاوز نکند نوشته شود در صورتیکه ده سال زیادتر از فوت مورث آن ها نگذشته باشد وزارت مالیه الی آخر و بجای بدون کم و کسر بورات داده نوشته شود بدون کم و کسر بصاحب آن داده الی آخر ماده .

آقا محمد بروجرودی - فقره اول چون اجباری است آن را مسترد میدارم فقره ثانی را این لفظ بورات داده میشود که نوشته اند ممکن است که همه وراث حصه شان دو تومان نباشد مثلاً یک دختری است حقوقش از دو تومان کمتر است باید نوشته شود حقوق کمتر از دو تومان را بدهند بصاحب آن حقوق .

فهرم الملک - گویا قسمت اول ماده مطلب را خوب واضح میکند سهمی وراث که کمتر از دو تومان باشد و بعد پنج برابر را باین وراث خواهند داد هیچوقت از این ماده فهمیده نمیشود که بسا برین داده شود .

رئیس - قسمت ثانی این پیشنهاد دو مرتبه خوانده میشود رأی میگیریم .
(و بجای بدون کم و کسر بورات داده) نوشته شود (بدون کم و کسر بصاحب آن داده) الی آخر .

رئیس - رأی میگیریم آقا باینکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (رد شد) (پیشنهادی از طرف حاج شیخ اسدالله بعبارت ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم که اصلاح عبارتی باین نحو شود - در ماده اول نوشته شود که وزارت مالیه در مرکز ولایات از طرف دولت پنج برابر الی آخر ماده .
رئیس - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (رد شد) پیشنهاد حاج سید

ابراهیم بعبارت ذیل قرائت شد).
چون غالب حقوق ماهیانه تصویب میشود بنده پیشنهاد میکنم که لفظ (دو سال) بعد از لفظ نقداً جنساً زیاد شود .

مخیر - ضرر ندارد این لفظ را اضافه بفرمائید .
رئیس - باین اصلاح خوانده میشود و رأی میگیریم (بعبارت ذیل قرائت شد) .
ماده ۱ - حقوق سهمی هر یک از وراث که نقداً جنساً در سال از دو تومان تجاوز نکند وزارت مالیه از طرف دولت پنج برابر مبلغ آن را بدون کم و کسر بورات داده و آن حقوق را ابدی ضبط مینماید .

رئیس - آقایانیکه باین ماده موافقت بطوریکه قرائت شد قیام نمایند .
با کثرت ۴۰ رأی تصویب شد) .
ماده دو - در صورتیکه حقوق سهمی وراث از دو تومان تجاوز کند هر یک از ورثه تقاضا نماید که با او نیز همین معامله بعمل آید وزارت مالیه مجاز است که تقاضای او را پذیرفته و سهمی آن وراث را در صورتیکه متجاوز از بیست تومان نباشد تا دو تومان آنرا پنج برابر اضافه دو تومان را چهار برابر باو داده و آن مبلغ را ابدی ضبط نماید

بجهت - از دو تومان یا کمتر از آن ماده گذشت و بنده اجازه خواسته بودم و نوبت نرسید حالا در این ماده فلسفه اینکه میگوید دو تومان پنج مقابل بدهند اینست که دو تومان باشد و شرط میکند که بیشتر نباشد والا هر چه را بخواهیم تقسیم کنیم در صد تومان و هزار تومان هم دو تومان فرض میشود در بیست تومان دو تومان را بشکل ماده اول عمل بکنند و ما بقی را بچهار مقابل این است دو تومان و هیچکدام دو تومان نیست و یکی دیگر اینکه ما وقتی که قانونی وضع میکنیم باید ملاحظه جریان را بکنیم و ممکن است همین طوریکه ما این قانون را میگذرانیم وزیر هم ختم بکنیم این حقوقات را آنوقت همین شکل پیدا میشود این فهرستهای دست مردم خوبست و قتیکه قانون را میخواهیم وضع بکنیم ملاحظه جریان را هم بکنیم ملاحظه مالیه آنرا هم بکنیم و قتیکه ۲۰ تومان را چهار مقابل خواسته باشیم بدهیم با این نسبتیکه ملاحظه شد اردو تومان بیلا بنده عقیده ام اینست که غالب حقوق از همین قبیل است یعنی خیلی میشود آنوقت گمان نمیکند مالیه ما بتواند ادا کند این را عقیده بنده اینست که خیلی زیاد اگر بخواهیم و نقد نخواسته باشیم بدهیم نهایت دو مقابل بدهیم هیچ بیشتر نمیتوانیم بدهیم و عقیده بنده هم این است که غالب ارباب حقوق هم راضی باشند باین مسئله که بیست تومان حقوق را چهارم مقابل بدهند و نگویند که امروز برو فردا بیا یعنی دولت اعتبار خودش را نبرد و مردم در زحمت نباشند و اگر هم نخواستیم این کار را بکنیم بگوئیم برضای آن صاحب حقوق یعنی هر طوریکه وزارت مالیه برضای آن صاحب حقوق توانست ختم بکنند در صورتیکه از دو مقابل

بالا نرود برضای او قطع بکنند آنوقت هم اگر این طور شد یعنی بتراضی طرفین شد اسباب زحمت هم نباشد ممکن است که در کابیه حقوق همین حق واجازه را بدهیم بوزارت مالیه که هر کس که خواست این پول را بگیرد بطور اقساط یا بطور نقد و در ظرف یکسال بپردازد بطوریکه دولت کم کم از این گرفتاری خلاص شود و در غیر از مقابل خدمت دیگر چیزی نداده باشد و کسی چیزی نبرد .

فهییم الملک - اولاً باید توجه بفرمائید که این مسئله راجع بحقوق کلیه ارباب حقوق نیست راجع بان سهامی است که بورات متوفیات میرسد در یکسال یک مبلغ خطیری نخواهد شد فقط در قسمتی است که از سهمی يك متوفائی بورته او میرسد و اینکه میفرمائید دو تومان را که پنج برابر اکتفم از دو تومان بیلا دو برابر بشود از برای دو تومان بیلا يك حد اخیری معین شده است که بیست تومان است مابین بیست تومان و دو تومان چندین دفعه دیگر است که اول ۲۱ قرانست یعنی یکی دو تومان دارد یکی بیست و یک قران دارد و همینطور تا بیست تومان بطور انصاف بدهد که يك کسیکه دو تومان دارد ده تومان بگیرد یکی که ۲۱ قران دارد چهار تومانش بدهند هیچ انصاف نیست این مسئله را تشریف نداشتند از ابتدای افتتاح مجلس که ضمیمه قانون وظایف اینجا تصویب شد برای همین مسئله بود که از روی قانون متوفیات سابق حقوق را از پانصد تومان بیانیست دوپست و پنجاه تومان میدادند مطابقاً به تصویب مجلس و گذار میکردند اغلب دیده میشد اشخاصیکه پانصد و پنج تومان حق داشتند صد تومان هم بآنها نرسید این صحیح نبود که کسیکه پانصد تومان داشت دوپست و پنجاه تومان باو بدهند همین قدر که يك تومان اضافه شد صد تومان باو بدهند لهذا قانونی وضع شد که پانصد اول نصف دوپست را تکت سیم را ربع و همینطور حالا هم اگر در این مورد باید تقسیم شود این ترتیب باید مراعات شود نباید آنکه دو تومان حقوق دارد ده تومان باو بدهند یا آنکه ۲۵ قران دارد چهار تومان و کسری بدهند مردم این را باید استفاده کنند هر کس دو تومان دارد پنج برابر گفته شد بدهند اضافه اگر شد میبایست باندازه همان شخصیکه این دو تومان را دارد با او رفتار بکنند و اضافه از آنرا يك فراری بگذارند حالا شاید از بیست تومان بیلا اراهم يك فراری بگذارند اگر بنا بود امروز يك ترتیبی برای این قبیل حقوق پیش میآمد بنده عقیده ام این بود که تصویب بشد که کلیه حقوق را پنج برابر بدهند که هم دولت خلاص شود هم آنها آسوده شوند و این اندازه مذاکرات در آن نیشد نهایت حالا چون اینجا منحصر است به متوفیات دیگر نمیتوانیم داخل این مذاکرات بشویم اگر بخواهیم يك جزئی از دو تومان بیلا تفاوت بگذاریم بین ارباب حقوق از پنج برابر از روی انصاف صحیح نیست .

فهییم الملک - بنده تصور میکنم که هیچ لازم نباشد که يك ماده قانونی که اینجا نوشته میشود هر چیز دیگری هم که در نظر داشته باشند در آنجا بگنجانند هیچ مانعی نخواهد داشت که فرادیش يك ماده را پیشنهاد بکنید که حقوقیکه در دو تومان یا پنج تومان هر چه باشد شاید بخواهید يك ترتیب بهتری برای ما بگذارید بجهت اینکه وضع در باب حقوق حالیه با وضع وراث متوفیات خیلی تفاوت دارالان وزارت مالیه میتواند بشما بگوید که چقدر وراث متوفیات حقوق دو تومانی دارند معین خواهد بود ولی این را بهتر میتوان معین کرد که چقدر خواهد شد شما نمیتوانید يك پیشنهادی بکنید یا بیست تومان یا ده تومان تا پنج تومان یا هر مقداری که میخواهید اینجا هم يك ماده خارجی داخلش بکنیم تصور میکنم که این ماده را هم لایحه میکنند اگر این را عقیده دارند اصلاً مقدارش را از وزارت مالیه نمیتوانید استفسار بفرمائید و يك پیشنهادی هم بفرمائید شاید

حاجی سید ابراهیم - عرض کنم در اینجا صورتیکه وزیر مالیه فرستاده است دست ماست این پیشنهاد کرده است سه برابر در آن مطلب اولی که پنج برابر شد و حالا باز يك چیزی علاوه میکنیم

بر آن و میگوئیم تا بیست تومان چهار برابر دو تومان پنج برابر این هم با آن چیزی که وزیر مالیه پیشنهاد کرده بود مخالف است و هم در اعتبار و جریانش مخالف است بجهت اینکه وزارت مالیه سه برابر پیشنهاد کرده است ما کرده ایم چهار برابر و ثانیاً این نسبت بورات متوفیات بود که شاید بتوانست ادا کند و حقیقتاً بواسطه کمی آن میتوانست جبران کند باز هم عقیده بنده این است که باید نظر وزارت مالیه معلوم شود که میتواند این حقوق را باین ترتیب ادا کند یا نه این شکل نمیشود در این رأی دادمش حقوق فعلی نباشد که مردم مجبور شوند دو هزار تومانی سه هزار بگیرند که اسباب زحمت بیشتر باشد **فهییم الملک** - باز نفهمیده ام عرض کردم این لایحه بود که در چند ماه قبل آوردند به مجلس قابل توجه شد رجوع شد بکمیسیون بعد آمد مجلس و پیشنهاد شد بعضی ها رد شد بعضی ها قبول شد این طور اصلاح کردند حالا نمیدانم سر کار چه ایرادی دارید .

دکتر حاج رضا خان - از این ماده هم چنین مستفاد میشود تقاضای وراث از وزارت مالیه خواهد شد وزارت مالیه هم مجاز است که حقوق آنها را بخرد و معلوم میشود که وزارت مالیه اگر محلی داشته باشد قبول خواهد کرد و اگر محل نداشته باشد قبول نخواهد کرد و در صورتیکه این قسم اختیار برای وزارت مالیه باشد نسبت به بعضی از وراث اسباب ضرر خواهد شد و این باید تمهید داشته باشد دولت اگر محلی داشته باشد منحصر بورات نخواهد بود در صورتیکه منحصر بورات باشد يك یازده ساله خواهد بود ولی در صورتیکه تعمیم داشته باشد يك مدت مدیدی خواهد بود و این برای دولت خیلی بهتر است و ما مجبور نیستیم که چون راجع بورته متوفیات است يك ماده باو اضافه بکنیم و تعمیم بدهیم بنده گمان میکنم که در تعمیم هم از برای دولت خیلی اسباب صرفه باشد و هم از برای صاحبان حقوق در صورتی که اختیار با وزارت مالیه باشد برای بعضی از وراث اسباب ضرر خواهد بود .

وزارت مالیه همراه باشد .
رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد چهار فقره اصلاح پیشنهاد شده است قرائت میشود .
(اصلاح شاهزاده محمد هاشم میرزا بعبارت ذیل خوانده شد) .
بنده پیشنهاد میکنم ماده دو اینطور نوشته شود هر يك از صاحبان حقوق که از بیست تومان کمتر داشته باشند از وزارت مالیه تقاضا نمایند که با او همین معامله شود وزارت مالیه مجاز است که سه برابر آن را با او ادا نماید .
محمد هاشم میرزا - آن علتیکه واداشت وزارت مالیه را باین پیشنهاد اگر خاطر آقایان باشد فقط مقصود قطع حقوق نبود وزارت مالیه این بود که میگفت چون دو تومان کمتر که باید فرمان صادر بشود آنقدر وقتی که از اجزاء وزارت مالیه بجهت نوشتن فرمان تصویب میشود خیلی قیمت آن بیش از اندازه است که در چند سال باو داده میشود لهذا چنین صلاح دید که از دو تومان کمتر را ضبط کند و سه تومان چنانچه پیشنهاد شده است بآنها داده شود این هم از کمیسیون قوانین مالیه گذشت و مطلبی نیست و هیچ مقصودی وزارت مالیه غیر از آن ندارد حالا که آقایان آمده اند در کمیسیون صلاح دیده اند که يك ماده اضافه کنند که اگر از دو تومان بیشتر یا بیست تومان داشت و تقاضا کرد وزارت مالیه مجاز است با او این معامله را بکنند آن وقت از میزان دو تومان که گذشت و به بالا ترتیب هیچ اختصاصی بورات و غیر وراث ندارد پس معلوم میشود که آن فلسفه اولی تغییر کرد و يك فلسفه دیگری پیش آمد که اشخاصیکه بیست تومان هم دارند نمیتوانند این تقاضا را بکنند و وزارت مالیه هم مجاز خواهد بود که آن را بپذیرد آقای مخبر میفرماید که این ماده ربطی با قانون متوفیات ندارد عرض میکنم که اگر آنطور باشد که این ماده هیچ ربطی بقانون متوفیات ندارد دیگر يك لفظ وارثی بدهم با قانون متوفیات نینویسیم قانون وظایف است پارسال هم که نوشته شد قانون وظایف بود و ملحق بقانون وظایف شد قانون وظایف هیچ در ضمنش نیفتاده است که باید جمیع مواردش راجع بمتوفیات باشد یکی دو ماده اش که منجمله ماده نهمش که تومانی هفت هزار که خرج فرمان بود بکلی موقوف خواهد بود مثل اینکه امروز هم کسی بخواهد مواجب درست کند و فرمان صادر کند تومانی هفت هزارش موقوف است پس قانون وظایف لازم نیست که در هر ماده حتماً راجع بمتوفیات باشد این جوابی است که در مقابل عرض میکنم اما آن فرمایشی که فرمودند که وزارت مالیه نمیتواند عمل نماید یعنی بودجه منسک که فایده نخواهد کرد عرض میکنم که لفظ مجاز را گویا فراموش کرده اند لفظ مجاز یعنی هر وقت که وزارت مالیه بداند که بودجه کافی است اینکار را خواهد کرد یعنی وقتی که میخواهد بودجه را پیشنهاد میکند بطور فوق العاده بعضی چیزها که در بودجه پیشنهاد میکنند خواهد گفت که اسامی میتواند ده هزار تومان یا بیست هزار تومان یا صد هزار تومان حقوق بخرد در آنوقت کمیسیون بود که در آن سال خواهد بود راجع به همان سه مالیه باو اعتبار خواهد داد اگر نپذیرفت

مثل سایر اعتباراتیکه وزارت مالیه میخواست و باو داده نخواهد شد و گمان میکنم که خیلی منفعتش بیش از آن قانون است که بگذاریم بجهت اینکه آن فقط برای وراث بود و مدتی که دولت میخواست این حقوق را ادا بکند ۱۰ سال خواهد بود ولی آنکسیکه زنده است معلوم نیست که این چهل یا ۵۰ سال دیگر عمر خواهد کرد و بعد هم حقوق او شاید بشوارت یاد وراثت داشته باشد که دو تومان باو داده بشود پس این مطلب باین خوبی را گمان ندارم که باین احتمالی که آقای مخبر کمیسیون میفرمایند بشود رد کرد باین جهت بنده تقاضا و پیشنهاد کرده ام که اگر بیش از دو تومان باشد تا بیست تومان وزارت مالیه مجاز است باو سه برابر بدهد و حقوق او را ضبط نماید و رجلاً آقای مخبر اگر هم عقیده باینده هستند قبول خواهند کرد والا رد میکنند .
فهییم الملک - اما اینکه تفکیک کردید قانون وظایف را از قانون متوفیات خیلی متأسفم که قانون وظایف راهیچ نتواندند بجهت اینکه در اولش ابتداء میشود : بسم الله الرحمن الرحیم وظیفه يك مرسومی است که بیازماندگان در باب حقوق دیوانی از هر قبیل داده میشود یعنی يك دسته که رئیس آنها فوت میکنند آنها بازماندگان او هستند آنوقت یکی یکی میگویند ورثه که باشد و غیره در ماده نانی که نوشتم تماش راجع بمتوفیات است بعد يك ماده در آن آخر بیرون میآید که کلیه در باب حقوقی که حقوقشان کمتر از دو تومان است این سه قانون را پیش هر کس بگذارد بخواند آخری راهیچ ذهنش نخواهد رفت که راجع خواهد شد بتوفی بلا و عرض نکردم که مخالف هستم عرض کردم بکفایتی بیشتر دقت بکنید و بدون ملاحظه و دقت يك پیشنهادی را نکنید که بسفردا دچار اشکال شویم عرض کردم امروز وزیر مالیه میتواند بشما صورت بدهد که چقدر حقوق دو تومانی و چقدر پنج تومانی هست و چقدر بیست تومانی این را میتواند با بطور اجازه با تقاضا با جبار هر طور میخواهید پیشنهاد کنید بنده عرض نمیکم که صحیح نیست صحیح است اما عرض میکنم که مانعی نیست از این که آن کار را هم بکنید این قدم را بردارید بعد هم بروید يك کار دیگر بکنید شاید وقتی که صورت را آوردند بعد شما معین کنید سالی يك مبلغی برای خریدن این گونه حقوق سالیانه هیچ اشکالی نخواهد داشت از اینکه يك هفته دیگر همچو ماده پیشنهاد بکنید خودتان تصور بکنید که يك همچو ماده بطور ابهام راجع به ارباب حقوق نوشته شود یا مفهوم از آن خواهد شد یا مفهوم نخواهد شد بنده تصور میکنم مفهوم بنده متخالفم نیستم با آنکه پیشنهاد کرده اید از راه خودش پیش بیاید يك قدم از اینجا بردارید يك قدم هم از جای دیگر .
رئیس - رأی می گیریم باین اصلاح شاهزاده محمد هاشم میرزا آقایانیکه موافق هستند قیام نمایند (اکثر قیام نکردند) قابل توجه شد اصلاحی از طرف حاج شیخ اسدالله شده است قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد) .
بنده پیشنهاد میکنم که ماده دویم این نوع نوشته شود - هر يك از ارباب حقوق که حقوق آنها

متجاوز از بیست تومان نشود میتواند تقاضا نماید که با او نیز همین معامله بعمل آید وزارت مالیه مجاز است که تقاضای او را بپذیرد در صورتیکه متجاوز از دو تومان نباشد و پنج برابر اضافه از دو تومان چهار برابر برابر باو داده آن مبلغ را ابدی ضبط نماید)
(اظهار داشت این عین ماده است) .
حاج شیخ اسدالله - عین ماده نیست .
رئیس - بفرمائید چه تفاوت دارد .
حاج شیخ اسدالله - در خصوص اینکه در مقابل آن حقوق بآنها چهار برابر یا پنج برابر بدهند این مطابق با ماده است و لایحه در فقره اولی چنانچه شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند بنده هم عرض کردم که باید تعمیم داد باین ورثه متوفیات و غیر متوفیات و این مخصوص به متوفیات نیست اما این فرمایشاتی را که فرمودند دیگر بنده کاری باین ندارم که این مواد راجع بقانون وظایف است یا قانون متوفیات بنده عرض میکنم ما میدانیم که بی ترتیبی بودجه مملکت و خرابی آن بیشتر بواسطه همین حقوق است که بی ترتیب است و باید هر وقت از اوقات که بتوانیم بطوریکه اسباب زحمت برای ارباب حقوق نباشد بارضایت خود آنها تسویه بکنیم و فعلاً این ماده که در اینجا نوشته میشود بنده عرض میکنم همین حالا موقع این است که نوشته شود از مجلس بگذرد دیگر ماصر بکنیم که يك قانونی از طرف وزیر پیشنهاد بشود چه فایده دارد در صورتیکه ما نمیخواهیم يك تعمیلی بر ارباب حقوق بکنیم و اسباب صدمه برای آنها باشیم بنده عرض میکنم که اختصاص بمتوفیات ندارد در صورتیکه ارباب حقوق حقوقشان از بیست تومان متجاوز نباشد به میل خودشان میتوانند از دولت تقاضا کنند و حقوق خودشان را به دولت بفرشند دولت را هم نمیخواهیم مجبور بکنیم بخریدن اینگونه حقوق که بفرمائید مالیه دولت کافی نیست وزارت مالیه مجاز است یعنی میتواند آن تقاضا را قبول بکند و میتواند قبول نکند و رد بکند باین بیاناتیکه شد بنده عرض میکنم بهمان ترتیبی که شاهزاده پیشنهاد کردند و متمم آن پیشنهاد همین فقره ماده است که بنده در پیشنهاد خودم نوشته ام که باید چهارم مقابل از دو تومان که متجاوز شد بآنها بدهند اگر چه گمان میکنم که باز هم رأی بپذیرند شاید آقایان رأی ندهند ولی بنده عقیده خودم را عرض میکنم که باید بهر شکلی که بتوانیم بارضایت ارباب حقوق بودجه مملکت را تسویه و اصلاح بکنیم که بیشتر اوقات اجزاء مالیه امروز صرف همین حقوق جزء است .
رئیس - بنا بود که شما مختصراً توضیح بدهید و مطلقاً فرمودید .
حاجی شیخ اسدالله - خیلی خوب توضیح بنده همین قدر بود .
رئیس - قسمت اول این پیشنهاد را هیچ نمیتوانیم رأی بگیریم بجهت اینکه قسمت اولش موافق پیشنهاد محمد هاشم میرزا است که رد شد و قسمت آخرش هم موافق با خود ماده است .
حاج شیخ اسدالله - پیشنهاد بنده باین پیشنهاد شاهزاده فرق داشت
(از طرف آقای ناصر الاسلام اصلاحی بعبارت ذیل پیشنهاد شد) .

(بنده پیشنهاد میکنم که جزء اخیر ماده دویم این نحو نوشته شود در صورتیکه متجاوز از بیست تومان نباشد تا دو تومان آنرا پنج برابر اضافه دو تومان راسه برابر باو داده آن مبلغ را ابدی ضبط نماید)
ناصر الاسلام - این گویا محتاج بتوضیح نباشد مایک چیزی میخواستم عرض کنم که این گویا قانونی باشد که پیشنهاد ما را که از طرف وزیر میشود باید وزیر یا معاونش حاضر باشد و دفاع بکند از پیشنهادیکه خودش کرده است و گاهی میشود که بعضی از و کلاء بخواهند تحقیق بکنند و بعضی ادله که شاید اگر معاون با خود وزیر حاضر باشد بتواند بگوید و کلا شاید نتوانند بگویند بدبختانه در اغلب جلسات نه وزراء حاضر میشوند نه معاونانشان و بنده این اصلاحی را که پیشنهاد کرده ام گویا مطابق باشد با پیشنهاد وزیر و مصحت امروزه گویا بیش از این مبلغ نباشد
فهییم الملک - فرمایشاتشان صحیح است ولی در این خصوص از وزارت پیشنهادی نشده است و پیشنهاد وزارت راجع بود بهمان دو تومان و این مسئله در کمیسیون اضافه شد
رئیس - رأی میگیریم باین اصلاح آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند
اغلب قیام نمودند قابل توجه شد چون قابل توجه شد بر میگردند به کمیسیون این قانون هم امروز میدانند دستور جلسه آینده دستور شنبه ۲۸ سابقاً لایحه تقنینیه را جزء دستور کرده بودیم و لکن هنوز نفرستاده اند این است که هر وقت که فرستادند جزء دستور میگذاریم این قانون که امروز میرود به کمیسیون جزء دستور میشود علاوه بر این بودجه هذمهالسنه مجلس و تفریح بودجه استیل مجلس - طرح قانونی راجع بتجزیه بلوچستان از کرمان دستور سه شنبه غره جامی الثانیه - قانون طبابت قانون استخدام - راپورت کمیسیون معارف راجع باده ششم قانون معارف دستور پنجشنبه سیم شور دویم قانون ینی شور در بقیه قانون استخدام - آقای بهجت راجع بدستور اظهاری دارید .
بهجت - بله عقیده بنده این است که قانونی که در کلیاتش رأی داده شد آن قانون است نهایت در موادش باید بحث شود و بگذرد قانون اخذ سوار از ایلات در مجلس کلیاتش مذاکره شد و گویا شور اولش هم تمام شد با قریب الانام است و عقیده بنده و تمام نمایندگان هم این است که قانون اخذ سوار از ایلات خیلی لازم است با وجود این که خیلی قانونهاست که میآید و میگردد و این قانون که شور اولش هم شده است نمیکرد و جزء دستور نمیآید در صورتیکه خیلی از ایلات ما هم تعیین کرده اند و حاضرند سوار هایشان را بدهند باین جهت تقاضا میکنم که در شنبه یا سه شنبه این مسئله جزء دستور بشود .
رئیس - یازده نفر بنویسید و امضاء کنید بفرستید که جزء دستور شود دیگر اظهاری در باب دستور نیست .
عز الملک - بنده هم مدتی است که طرح قانونی راجع بضمیمه قبول نمایندگان سفند دولتی را خواه دردمت نمایندگی خواه بعد از استعفاء

تا آخر دوره و کالت پیشنهاد کرده‌ام و تقریباً هشت ماه است از کمیسیون مبتکرات راپورت آن را بمجلس تقدیم کرده‌ام استعفا دارم جزء دستور شنبه مقرر فرمائید.

رئیس - هر يك از آقایان نمایندگان يك طرحی پیشنهاد کرده اند اگر بنا بشود که تماش را در شنبه و پنجشنبه جزء دستور بگذاریم نمیشود چند فقره قانون مهم در دست داریم شور اولش تمام شده است شور دومش هم که تمام شد آن وقت بسایر مطالب میردازیم و همین طور که عرض کردم یا نژده نفر امضاء کنند و بفرستند هر روزی که تقاضا کنید جزء دستور شود.

لواءالدوله - تقاضائی کرده بودم و چند نفر هم امضاء کرده بودند راجع بطرح قانونی آقای معززالملک و ترفیع رتبه نظامی فرمودید جزء دستور میگذاریم و نگذاشته‌اید.

رئیس - برای روز پنجشنبه ممکن است. **حاجی شیخ علی خر اسافی** - دیروز در جواب بنده که عرض کردم راجع بطرح قانونیکه وصول مالیات باید بموجب تمبر بشود آقای فهیم‌الملک فرمودند آمده است بکمیسیون قوانین مالبه و رد شده است بنده هیچ راپورت قوانین مالبه را ندیدم که کمیسیون قوانین مالبه برد کرده باشد نه در راپورت آقای رئیس کمیسیون قوانین مالبه نه در راپورت های دو ماهه یا چهار ماهه که همیشه از کمیسیون می‌آید همچو چیزی دیدم بنده تصور میکنم آن را که آقای فهیم‌الملک تصور کرده اند طرح دیگری بوده است و اشتباه کرده اند دیگر اینکه وزیر مالبه يك طرحی را رد یا قبول بکنند کافی نیست دلیل و برهان لازم دارد هیچ دلیل و برهانی نیست و اینکه مالیات که گرفته میشود نباید در عوض قبض و تمبر داده نشود - دلیلی داریم که نشانیم آقایانیکه مالیات میگیرند چه اندازه میگیرند و آنهایکه مالیات میدهند نشانند چقدر باید بدهند و چقدر از آنها باید بگیرند البته وقتیکه تمبر و قبض ایجاد شد هم رعیت هر چه بدهد بکریه دوات خواهد آمد هم اینکه میگویند و کورور از مالیات وصول نشده معلوم خواهد شد که صاحب جمع کیست که این وجه در عهده او بوده است و لاوصول مانده و بدست نیامده.

رئیس - اینجا (محل نطق) نیامده اید برای دفاع از این لایحه اینجا آمدید برای اینکه در دستور صحبت بکنید این را بنویسید ۱۵ نفر امضاء کنند بنده هم رای میگیرم.

(مجلس مغرب غروب ختم شد)

جلسه ۲۳۲ صورت مشروح روز شنبه ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۲۶

رئیس آقای موتمن‌الدوله ۳ ساعت و ربع نبل از غروب آفتاب بکرسی ریاست جلوس نموده و بعد از بیست دقیقه مجلس رسماً تشکیل شد.

صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۶ را آقای معاضد الملک قرائت نمود.

(غائبین جلسه قبیل) معاضد السلطنه - آقا میرزا اسدالله خان - ده خدا بدون اجازه - حاج آقا معذل الدوله - با اجازه غائب بوده دکتر اسمعیل خان - نیرالسلطان - آقا میرزا ابراهیم قمی - حاج

امام جمعه هر يك ۳۵ دقیقه - لواء الدوله - ناصر الاسلام - هر يك نیم ساعت شبیانی ۱ ساعت - حاج مصدق‌المالک ۱ ساعت ده دقیقه از حضور در وقت مقرر تأخیر نمودند.

رئیس - آقای مدرس.

آقای سید حسن مدرس - مخصوصاً در آن بیانیکه آروز بنده عرض کردم که مقلا و تدینا یک نکته داشت که بنده عرض کردم و در صورت مجلس نوشته شده است.

رئیس - اصلاح میشود دیگر ملاحظاتی هست.

عز الملک - در جلسه گذشته بنده يك تقاضائی کردم در موقع اعلان دستور رئیس در جواب فرمودند باید ۱۵ نفر آن تقاضا را هم امضاء بکنند بعد بنده اخطار نظامنامه کردم و آقای رئیس اجازه ندادند در صورت مجلس نوشته نشده است خوب بود قید بکنند.

رئیس - اخطار نظامنامه شما نکردید و بنده هم نشنیدم برای اخطار نظامنامه هم اجازه داده نمیشود در صورتیکه بکفقه گفته باشید و بنده نشنیدم باشم مکرر فرمائید.

عز الملک - حالا هر وقت اجازه فرمائید عرض میکنم.

رئیس - در صورت مجلس دیگر ملاحظاتی هست (اظهاری نشد)

حالا اگر اخطار نظامنامه دارید میتوانی بفرمائی.

عز الملک - هر گاه در موقع دستور یک تقاضائی میشود آقای رئیس جواب میفرمایند که باید ۱۵ نفر این تقاضا را امضاء بکنند و بنده هم چو ماده را در نظامنامه داخلی نمی بینم مگر اینکه در نظام نامه ماده ۱۱۵ مینویسد که رئیس قبل از اینکه جلسه را ختم نماید در باب دستور جلسه آتی یعنی تعیین روز و ساعت و موضوع مذاکرات بمجلس رجوع مینماید دستوریکه باین ترتیب قرار داده شده است در محوطه مجلس و روزنامه رسمی اعلان خواهد شد ولی مجلس در هر مرقبیکه لازم بدانند میتوان دستور خود را تغییر دهد (حالا اگر ماده دیگری هست که بنده ندیده‌ام . آقای رئیس خودشان خواهند فرمود .

رئیس - معنی (رجوع نمایم) را اگر التفات بفرمائید این نیست که رئیس از مجلس رای بگیرد بلکه مقصود آنستکه رئیس بعد از آنکه دستور را تعیین میکند سؤال میکند که مخالفی هست یا نه وقتیکه مخالفی نبود معلوم میشود که آن دستور قبول شده است و اما در مسئله ۱۵ نفر چندین مرتبه بنده این مسئله را اینجا عرض کردم و هیچ کس مخالف نبوده است و یاد دارم که در اوائل ریاست بنده اینجا بیاره محظورات راجع بدستور عرض کردم که هر کس بخواهد در موقع دستور يك مطلبی را پیشنهاد بکند که جزء بشود و ما اگر بخواهیم در آنها رای بگیریم دور نیست که هر روزی دو ساعت در آن حرف بزنیم ولی بهتر اینستکه مخبر های کمیسیون روز های شنبه بیایند بهیئت رئیس که با مذاکره به آنها دستور هر هفته را تعیین بکنیم در اینجا هیچ اظهار مخالفی نشد ولی همچو مخبر های کمیسیون در این باب بهیئت رئیس کمک نکردند بنده هم برای

حفظ نظم مجلس برای اینکه هر جزئی مطلب که باید جزء دستور مجلس بشود دو ساعت مذاکره شود همچو صلاح دانستم و قرار دادم که آقایان و کلاء در خارج افکار خودشان را حاضر کنند و وقتیکه يك مسئله راجع بدستور عنوان می شود افلا ۲۰ یا ۱۵ نفر همراه داشته باشند که اسباب زحمت نشود و محتاج بنده کرده و رای گرفتن نشویم این يك ترتیبی بود که داده شد و آنوقت مخالفی در این خصوص نبود و حالا می بینیم که مخالف پیدا شده است اگر اینطور است بنده بهمان ترتیبی که از سابق بوده‌است رفتار میکنم ولی دستور سه جلسه را دیگر اعلان نخواهم کرد برای اینکه آنوقت راجع بدستور سه جلسه مذاکره خواهد شد و خیلی از وقت ما را تضییع مینماید همان دستور يك جلسه گفته خواهد شد و اگر ملاحظاتی در آن داشته باشند میفرمایند - دستور امروز بودجه هذالسه

مجلس - لایحه تفریح بودجه ایت ثیل مجلس راپورت کمیسیون داخله راجع به تجزیه بلوچستان از کرمان - شروع میکنم بقانون بودجه هذالسه مجلس چنانچه آقایان در خاطر دارند ماده ۲ ضمیمه بلا تکلیف مانده رجوع شده بکمیسیون محاسبات کمیسیون محاسبات راپورتی داد، است چون خیلی جزئی بود صلاح ندید ضمیمه و توزیع بشود اینست که خوانده میشود در ماده ۲ رای میگیریم و بعد از اینکه ماده ۲ تصویب شد در ماده ۱ لایحه قانون بودجه رای خواهیم گرفت ماده ۲ ضمیمه ماده ۱ لایحه قانون بودجه راپورت کمیسیون محاسبات بعبارت ذیل قرائت شد .

ماده ۲ ضمیمه حقوق اجزاء تقنینیه سالیانه راپورت کمیسیون - کمیسیون محاسبات روز شنبه ۲۸ جمادی الاول در تحت ریاست آقای دکتر حیدر میرزا دوساعت قبل از ظهر منعقد گردید ماده ۲ بودجه مجلس که از مجلس بکمیسیون برگشته بود مطرح مذاکره گردید کمیسیون محاسبات با کثرت ۲۰ تومان علاوه بر یکصد و هشتاد تومان سابق قبول کرد که دوست تومان بمعاون اداری و رئیس دارالانشاء در ماه داده شود در خصوص تند نویسان کمیسیون بهمان عقیده سابق خود باقیست

معاضد الملک - اگر چه راجع بتند نویسان بنده در جلسه گذشته توضیح دادم لکن متأسفانه باز مبینم که اعضاء محترم کمیسیون محاسبات همانطور دو نفر تند نویسا رد کرده اند و گمان میکنم که آروز در دست حرایض بنده را ملتفت نشدند از اینجهت مجبورم ثانیاً توضیح بدهم که اگر بنا باشد عده هردسته از تند نویسان سه نفر باشد و یک نفر مقطع که من حیث المجموع چهار نفر باشد بنده عقیده‌ام اینستکه هر دو دسته را مجلس اجازه بدهد يك دسته باشد و کامل باشد نه اینکه دو دسته باشد و ناس چون ناطق که شروع بنطق میکنند در صورتیکه عده تند نویسان سه نفر باشد مقطع دو جمله اول نطق رابا ولی اشاره میکند و همینطور جمله دوم را و سیم را بدوی و سومی وقتیکه بر میگردد که ثانیاً بولی اشاره بکند او هنوز آن جمله را که با اشاره شده است تمام نکرده است تا اینکه دومرتبه بنویسند و در اینصورت

مجبور خواهد بود يك قسمت از جمله را که با اشاره شده است ناقص بگذارد یعنی ننویسد و مشغول شود بنوشتن قسمت دومی که با اشاره میشود و از این جهت تمام نظاتیکه در مجلس شده است خیالی و ناتمام خواهد شد از اینجهت در هیئت رئیسه اینطور تصویب شد که هردسته چهار نفر باشد که قسمت اولی که باولی اشاره میشود بترتیب چهارمی برسد و برگردد باو او آنجمله را که با اشاره شده است تمام کرده باشد و اگر بغیر از این ترتیب باشد و بخواهند هر دسته را سه نفر قرار بدهند عقیده بنده این است که مجلس تصویب بکند دو دسته يك دسته باشد که پنج نفر برای تند نویسی باشد یعنی یک نفر مقطع و چهار نفر تند نویسی و دو نفر از برای نوشتن کتابچه صورت مجلس و مثل سابق باشد که بهتر است از این ترتیبیکه کمیسیون تصویب کرده است و بعلاوه با اعضاء محترم کمیسیون محاسبات لازم میدانم که عرض کنم اعضاء کمیسیون حق دارند حقوق اعضاء را جرح و تعدیل بکنند نه اینکه عده اعضاء دارالانشاء را جرح و تعدیل نمایند.

رئیس - آقای مشیر حضور مخالف هستید.

مشیر حضور - میخواستم يك توضیح بخواهم **رئیس** - بفرمائید.

مشیر حضور - بنده میخواستم از مخبر کمیسیون سؤال بکنم که این دوست تومان را که تصویب کرده اند برای معاون اداری و رئیس دارالانشاء بچه ترتیب باید بآن ها داده شود چه مقدار بمعاون اداری چقدر بر رئیس کابینه.

رئیس - این راجع بکمیسیون نیست راجع بهیئت رئیسه است.

دکتر اسمعیل خان - کمیسیون دوست تومان برای معاون اداری و رئیس دارالانشاء معین کرده است حالا بچه ترتیب بآنها داده شود این راجع است بهیئت رئیسه.

رئیس - رای میگیریم بهیئت نهاد اداره مباشرت در ماده (۲) ۱۳۲۵۴ تومان است کمیسیون تصویب کرده است ۱۲۲۹۴ تومان اول رای میگیریم بهیئت نهاد کمیسیون آقایانیکه موافقت با تصویب کمیسیون ورقه سفید خواهند انداخت آقایانیکه مخالفند ورقه کبود اوراق رای اخذ شده آقای حاج میرزا رضاخان از این قرار شمار نمود:

ورقه سفید ۲۳ ورقه آبی ۲۲ . آقایانیکه تصویب کردند آقا میرزا احمد . تربیت . آقا میرزا داودخان . فهیم الملک . ضیاء الملک . آقا شیخعلی . دکتر امیرخان . معذل الدوله . آقا سید حسین اردبیلی . آقا سید حایل علی زاده . منتصر السلطان . حاج سید ابراهیم . آقا شیخ غلامرضا . ابوالقاسم میرزا . انتظام الحکماء حاج شیخعلی . حاج سید نصرالله . شبیانی . حاج محمد کریم خان . وحیدالملک . مساوات . دکتر حیدر میرزا . صدر العلماء . زنجانی . آقا شیخ محمد خیابانی - سلیمان میرزا . آقا سید حسن کزازی حاج مصدق‌الملک . آقا شیخ رضا . دکتر اسمعیل خان . حاج عز‌الملک . معین‌الرضا با

آقایانیکه رد کردندند حاج شیخ اسدالله . آقا سید محمد رضا همدانی . آقا محمد . آقا میرزا ابراهیم قمی . آقا میرزا مرتضی قلیخان . متین . السلطنه . فرزانه . معزز الملک . سعید الاطباء مشیر حضور . محمد هاشم میرزا . آقا میرزا رضا مستوفی . عز‌الملک . معاضد الملک . آقا میرزا ابراهیم خان معتمدالتجار . ذکاء الملک . حاج میرزا رضاخان . آقا میرزا قاسمخان . ارباب کیخسرو . افتخار الواعظین . حاج شیخ الرئیس

رئیس - بلا تکلیف مانده يك ماده العاقی بعنوان ماده ۲ آقای سلیمان میرزا پیشنهاد کرده است قرائت میشود اگر قابل توجه شد بکمیسیون میرود بعبارت ذیل قرائت شد .

چون مستخدمین مجلس بیشتر از ساعات خدمت فوق العاده مشغول خدمت هستند لهذا بنده چنین پیشنهاد میکنم:

ماده ۲ - مبلغ پانصد تومان اعتبار بداره مباشرت داده میشود که هر يك از مستخدمین در روز خدمت نمایند در آخر هر ماه علاوه بر حقوق مقرره بآنان خواهد پرداخت (مدت خدمت ۸ ساعت است)

رئیس - بنده در قسمت اخیر این ماده حرفی ندارم ولی قسمت آخر آن گمان میکنم که باماده ۱۴۹ نظامنامه داخلی مخالف است چون مینویسد که هیئت رئیسه در باب ترتیب صورت مجلس و صورت مشروح مجلس و نیز در باب ترتیبات داخلی دواير و تعیین شکل و تکالیف اجزاء نظام نامه مرتب خواهد کرد در واقع تکلیف افراد و مدت خدمتشان بنده هیچ گمان میکنم که راجع بهیئت رئیسه باشد.

سلیمان میرزا - بنده آنقسمت آخرش را مسترد میدارم و در عوض هر ساعت نوشته شود علاوه بر آن مدتیکه از طرف هیئت رئیسه معین میشود.

معزز الملک - البته شاید و کلای اینجا خیلی زحمت بکشند مثل مستخدمین ولی چیزی که هست اینستکه اساساً بنده تصور میکنم که ما یکسابقه نباید در مجلس بگذاریم که هر يك از کلايك نظری يك پیشنهاد و يك تقاضای اضافه خرجی بکنند و این اگر در مجلس بنظر معمول بشود بنظر تولید زحمت کند و مضرات بزرگ دارد و البته برای سنجیدن زحمت مستخدمین اینجا در ازای مزد آن زحمت یا اداره در اینجا هست و او خودش نظر خواهد کرد و هر يك از آنها که فوق العاده زحمت میکنند و یا اضافه از مدت معین خدمت بکنند بر حقوق آنها يك نظمی میدهد و رعایت حال آن کسانرا که بهتر خدمت میکنند خواهد کرد . بالاخره اگر اداره مباشرت لازم میدانست خودش ممکن بود این تقاضا را بکند بدون اینکه یکی از کلای خارج این تقاضا را بکند .

سلیمان میرزا - بنده هیچ اینجا پیشنهاد نکردم که هر يك بهتر خدمت بکنند محققاً يك ساعات خدمت معینی هست و همان طوری که فرمودید يك نظامنامه مدون خواهد شد و در آن ساعات خدمت معین میشود . بنده پیشنهاد کردم که پس از آن که ساعات خدمت معین شد هر يك از مستخدمین که فوق العاده اضافه بر آن خدمت معین خدمت کردند ملاحظه زحمت آنها بشود و در صورتیکه مستخدمین

زیاد از مدت خدمت مشغول خدمت شوند آیا انصاف هست که يك حقوقی بآنها ندهند و مثل سایرین باشد یا فرض بفرمائید هفت ساعت زیاد تر اینجا بنشینیم این اشخاص را که ما اینجا منتظر میگذاریم و وقتشان را تلف میکنیم باید در مقابل يك حق - الرحمتی بآنها بدهیم برای آنکه اجرت در مقابل زحمت است و هر قدر بیشتر زحمت بکشند باید بیشتر حقوق بآنها داده شود و بنده آنرا برای تمام ادارات گمان میکنم که لازم باشد و باید در قانون استخدام هم افزوده شود که هر کس فوق العاده و بیشتر از آنچه مدت خدمت اوست خدمت کرد در مقابل زحمت او يك اجرتی اضافه بر حقوق معینی که دارد باو بدهند و گمان میکنم که آقای ارباب هم عقیده شان همین باشد و قبول بفرمایند که این رجوع بشود بکمیسیون محاسبات و يك فوق العاده از برای آن کار پیشنهاد شود .

ارباب کیخسرو - مخصوصاً در این باب با مساوی اداری يك ترتیبی داده شده است آن جرائمی که از غیبت مستخدمین جمع می شود يك اضافه باین قسم مستخدمین داده شود و بعلاوه این نظر را خود هیئت رئیسه و اداره مباشرت هم داشته است که يك همچو ترتیبی داده شود و بگمان بنده بآن میزانی که پیشنهاد کرده‌اند که پانصد تومان باشد لازم نخواهد بود البته بقدری که فوق العاده کار بکنند بآنها حق الزحمه داده خواهد شد و محل آنرا خود اداره پیدا میکند دیگر لازم باعتبار فوق العاده نیست .

افتخار الواعظین - واقعا اگر این پیشنهاد می‌گشت و ما رای بآن میدادیم سبب نمی‌شد از برای اینکه با داد ات دولتی و سایر ادارات نشر بکند خیلی کار خوبی بود و خیلی موافق انصاف و عدالت کرده که بآن اشخاصی که زیاد در مجلس زحمت میکنند زیاد کار میکنند بآنها يك مزایای بر حقوقشان داده شود ولی همان مشکلی که آقای ارباب فرمودند این ترتیبات داخلی تمام مربوط می شود بهیئت رئیسه و اداره مباشرت و هیئت رئیسه و اداره مباشرت اختیار تام دارند در تعیین عده اجزاء و تعیین مقدار حقوق آنها و البته خودشان ملاحظه خدمت و زحمت هر کس را خواهند کرد و اگر باین ترتیب شما بخواهید يك علاوه حقوقی برای مستخدمین پیشنهاد بکنید صحیح نخواهد بود چون بنده نمی دانم که این سبب خواهد شد برای اینکه نشر بکنند که بوزارت خانها و ادارات دولتی در اینخصوص بعدالت رفتار شود و ملاحظه زیادی زحمت رانکنند پس بنده عقیده ام اینستکه بهتر این است که این کاری را که خیلی با مراتب عدالت و انصاف و مروت مطابقت دارد و اگذار کنیم باختیارات هیئت رئیسه و اداره مباشرت و البته ایشان خودشان این ملاحظات را خواهند کرد .

رئیس - گویا در این باب کافی باشد (گفتند کافی است) ولی این را بعنوان ماده العاقیه نمی شود رای گرفت این را باید در جزء ماده دوم قرار داد و در ضمیمه يك شرح آن تعیین میشود که چه چیز است حالا رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد .

این پیشنهاد

بارۀ او داشته باشد ندارد و همچنین رعایا و ساکنین آنجا هم اگر تظلمی دارند و تعدی در بارۀ آنها میشود گمان نمیکنم که بلا واسطه و مستقیماً بتوانند و آن جوی را که الان از مرکز طهران بمرکز بلخ میروند بشنوند از مرکز طهران بشنوند پس باین لحاظ هیچ تفاوت نخواهد کرد جز این که مخارج اداری آن محل را باز زیاد بکنیم یعنی حالا که ترتیب اداری در آنجا بیک ترتیب سهل تری دایر میشود آنوقت آن ادارات را بواسطه تجزیه آن محل بسط داده باشیم و یک بسط بی فاعده باشد که نسبت بساکنین و اهالی آنجا هم آن مقصودی را که در نظر داریم آن مقصود را هم نگرفته باشیم همین ملاحظه را بینه نمایندگان محترم تصدیق خواهند کرد که درباره سیستان و فاینات هم جاری میشود بواسطه این که می بینیم امروز چقدر اشکال دارد و مغایره کردن آنجا با مرکز و می بینیم که ممکن است حقوق آنها ضایع شود و جواب شکایات آنها دیرتر برسد باین که امروز که یک مرکزی مثل خراسان دارند بآنجا مغایره میکنند و جواب میگیرند گمان میکنم که عجلاناً دولت دفتی بکنند در این باب یک سعی بکنند که ایالت کرمان را به اشخاص صحیحی واگذار بکنند که بتوانند آنجا را بهتر اداره بکنند و هم تبدیلیاتی که الان با اهالی آنجا میشود بهتر رسیدگی بکنند و الا فقط بگفتن این که بلوچستان تجزیه شود و حاکم مستقیمی از آنجا فرستاده شود و اهالی آنجا مستقیماً با مرکز مغایره و مذاکرات بکنند گمان میکنم آن مقصودی که تمام ماها در نظر داریم گرفته شود.

رئیس - گمان میکنم که مذاکرات در کلیات کافی است.

(بعضی اظهار کردند کافی نیست)

رئیس - رأی میگیریم در کافی بودن مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی مردانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند) مذاکرات را کافی ندانستند

منتصر السلطان - این دلایلی که نماینده محترم مقدمه ذکر کردند صحیح است و بنده همراه هستم ولیکن در ذیل بیاناتی که کردند بنده مخالف هستم بهمان دلایلی که فرمودند اگر یک حکومت صحیحی به کرمان فرستند آن حکومت صحیح با فرمانفرمای آنجا میتواند از حسن اداره داری کرمان را که مرتب بکنند بلوچستانی را هم بالطبع مرتب بکنند بنده میخواستم عرض بکنم که این حاکم صحیح را اگر از مرکز بلوچستان بفرستید ما بهتر نتیجه میگیریم بجهت این که همیشه ایالت کرمان حکومت بلوچستان را با اهالی خود بلوچستان واگذار کرده است تا اکنون هیچوقت یک حاکمی از کرمان یا از نقاط دیگر ایران بآنجا فرستاده اند پس اگر یک حاکمی بفرستیم آنجا که از اهالی خود بلوچستان نباشد و یک آدم صحیح بیفرض باشد بالطبع رسیدگی بامور آنجا و مذاکراتی که در آنجا فیما بین رعایا و سردار ها و سایر طبقات میشود بطور بیطرفی بنماید بهتر میتواند که اصلاحات آنجا را بکند پس بنده منکر هستم که امروزه چون راه مرتب و صحیح نیست باید آنجا جزء کرمان باشد چرا بجهت این که بهمان نظر بیکه شما میفرمائید که آمدن آنها

سخت است بطهران بمان طریق هم آمدن آنها بکرمان سخت است منتهی این جا مسافتش را میفرمائید زیاد تر است شما همیشه باید وزارت داخله را مرتب بکنید که حکامی را که میفرستند سعی کنند حکام صحیح وطن پرست خیر خواه باشند و امور آنجاها را درست رسیدگی بکنند و ادارات آنجاها را مرتب بکنند بلوچ خراب نشده است و همیشه مگر بواسطه این که ناحیه کرمان است و همیشه هر کسبکه بفرمانفرمائی آنجا میرود بلوچستان را بهمانسردار های آنجا میفرشود بعضی میگویند بروید چوب حراج را بزنید هر چه دلتان میخواهد مال مردم را تاراج کنید خانه ها را خراب بکنید اگر کسی هم آمد کرمان تظلم بکنند ما کاملاً خبر داریم آنجا اشخاصی هستند که را پورته میدهند بسرداران یا در کرمان یا در مراجعت آن بیچارهها را نیست و نابود میکنند اگر یک اندازه بنظر دقت ملاحظه بکنید و از روی انصاف نگاه بکنید میبینید اگر بلوچستان را از کرمان مجزی بکنید و مستقیماً یک حاکمی بفرستیم همان قسمیکه جناب آقای آقا میرزا مرتضی قلیخان بیان فرمودند در عمل خالصه آنجا در سالی آن اندازه همساله مزید میشود چرا بجهت این که دست تعدی کوتاه میشود بالطبع این طور میشود این یک منافعش یک منافع دیگرش این است که هر وقت از اهالی آنصفتها که رفتند بآنجا و آن وحشیگری که آنجا هست هر چه حاکم هم بد باشد فرض میکنیم که از طرف وزارت داخله یک آدم صحیحی انتخاب شود نسبت با نوحشیها بالطبع تربیت شده تر است و هرچوقت راضی نمیشود آدم زنده زنده مورد هزار نوع زحمت ها بشود بلکه اسباب آبادی و ترقی آنجا میشود و بلکه مدارس در آنجا تاسیس میشود که اول مرتبه ترقی است و با گذاردن بجاده انسانیت است از همین مجری رو بترقی میرویم و یکی از فوائد خالصه اش هست که فرمودند سالی ۵ هزار تومان نقد و پانصد خروار جنس همساله اضافه بر سال سابق میشود بنیاید چقدر است این یک مسئله اش هست.

معاون وزارت داخله - در مسئله تجزیه بلوچ از کرمان تقاضای وزارت داخله این است که بناسباتی چند عجلاناً این مسئله را مسکوت عنه نگذارند تا وزارت داخله نظریات خودش را تکمیل بکنند و بمجلس عرض بکنند.

رئیس - چون تقاضا میکنند که بمانند برای یک موقع دیگر باید رأی بگیریم.

محمد هاشم میرزا - جهش را بگوئید.

رئیس - جهت را نمیگویند باید رأی بگیریم رأی میگیریم که این لایحه و این طرح موافق بمانند یا نماند آقایانی که تصویب میکنند که موافق بمانند برای موقع دیگر قیام نمایند (اغلب قیام نکردند) تصویب نشد ۳۴ نفر از آقایان تصویب کردند ولی اکثریت نشد.

معاون وزارت داخله - پس استدعا میکنم که این را جلسه آتی واگذار بفرمائید که نظریات وزارت داخله معین شود.

رئیس - رأی میگیریم در این که این طرح بمانند برای جلسه آتی آقایان تصویب میکنند که بمانند برای جلسه آتی قیام کنند (اغلب قیام

کردند) اکثریت شد اما اگر بنا باشد باید مطلبی را که ماجرۀ دستور میکنیم بمانند تقاضا بکنند که باشد برای جلسات بعد دیگر مجبور هستیم که ۲ ساعت بفریب مانده مجلس را ختم بکنیم چون چیز دیگری در دستور نیست عجلاناً ده دقیقه تنفس داده میشود بعد از تنفس راپورت کمیسیون بودجه را جابجاء بفرمایند (بعد از تنفس مجدداً مجلس یک ساعت قبل از غروب تشکیل گردید).

رئیس - راپورت کمیسیون بودجه را جابجاء بفرمایند (بعد از تنفس مجدداً مجلس یک ساعت قبل از غروب تشکیل گردید).

مرحوم آقا سید جمال الدین قرائت میشود بودجه پیشنهاد وزارت مالیه را در خصوص ورثه آقا سید جمال الدین واعظ قرائت شد که مبلغ یک صد و پنجاه تومان حقوق مرحوم آقا سید جمال الدین بدون کسر در حق ورثه برقرار او بلاوجه بواسطه مجاهدات مرحوم آقا سید جمال الدین در راه آزادی ملت و فداکاری او محض حق شناسی علاوه بر این مقرر شود که جمیع ماهی سی تومان مابین سه نفر پسر و یک نفر دختر و عیال او تقسیم شود باین ترتیب که پسر ماهی هفت تومان و پنج هزار و ۹۰۰ دخترش ماهی سه تومان و هفت هزار و پانصد دینار و عیالش نیز سه تومان و هفت هزار و پانصد دینار عاید گردد کمیسیون بعد از مذاکرات تغییر قانون متوقیات را جایز نموده ولی علاوه بر حقوق دیوانی که بقانون متوقیات رفتار خواهد شد سالی مبلغ دو بیست تومان تصویب می نماید بورثه آن مرحوم مقرر شود.

رئیس - مخالفی نیست؟

حاج شیخ الرئیس - بنده مخالفم.

حاج شیخ الرئیس - بنده در مجاهدات و خدماتیکه مرحوم آقا سید جمال الدین در راه حریت و آزادی کرده است ابدأ نمیتوانم شرح بدهم تشکر خود را از آن مرحوم میکنم و تقدیس میکنم روح پرفروش را ولیکن نظر بنده بیک نکته منصفانه است که لازم میدانم عرض کنم و آن این است که سایر مجاهدین که در راه آزادی کشته شدند ورثه شرافت داشتند پول کسیکه تصویب میکرد در مجلس حقوقی برای آنها شاید بنده پیشقدم بودم از سایر آقایان و نمایندگان ولی آن قسم متوقیاتی که کشته شدند در یک موقعی کشته شدند که قائل آنها معلوم نبوده است و اگر هم معلوم بوده است مردمان بی مایه و بی ثروتی بوده اند چون آن مرحوم را طوری شهید کرده اند که گمان نمیکنم که خاطر هیچک از نمایندگان بی خبر باشد و قائل آن مرحوم معین و معلوم است و بنده گمان میکنم پیش از اینکه این تصویب را مجلس بکند اگر قصاص نمی کنند یا ورثه راضی نمیشوند بقصاص اودیه او را بگیرند برای توسعه معاش ورثه این شهید سعید آنوقت اگر تصویبی میکنند برای حقوق و حق شناسی آنوقت شاید صحیح تر باشد (همه گفتند صحیح است).

افتخار الواعظین - خدمات مرحوم آقا سید جمال الدین نسبت با اساس آزادی و حریت ایران

بالاتر و واضح تر از این است که بنده عرض کنم در تمام روزنامهجات داخله و خارجه شرح اقدامات آن مرحوم و تاریخ زندگانی آن مرحوم و فداکاری آن نطق آتشین را در پیشرفت آزادی همه میدانند و آرزوی مجلس شورای ملی و هیئت وزراء که دولت هستند مطمع شده برایشکه وراثت مرحوم آقا سید جمال الدین از باب معاش و از بابات گذران در مضیقه و در سختی در تنگی هستند و بآن اندازه که حقوق داشته است آن مرحوم مطابق قانون و وظایف نصف بلا کسر از حقوق آن مرحوم باید بورانش داده شود و مابقی را باید دولت ضبط بکند و بداند اگر آن حقوق جزئی موافق قانون و وظایف رفتار شود آنها از باب معاش و از بابات گذران در تنگی سختی خواهند افتاد از آن طرف هم کمیسیون محترم بودجه در یک مورد بخصوص استثنای یک قانونی را که باید در تمام مملکت بطور مساوات اجرا بشود جایز ندانسته است یعنی جایز ندانسته اند که یک مورد بخصوصی را مستثنی بکنند از یک قانونی که هیچوقت نباید استثناء بعمل بیاید و باید درباره عامه اهالی مملکت به تساوی مجری شود برای اینکه استثنای قانون نشود و از آن طرف هم باز ماندگان آن مرحوم بتوانند از این خیال سختی بیرون بیایند و یک حال رفاه و آسایش برایشان فراهم بیاید دولت یک پیشنهادی و تصویبی کرده است و کمیسیون بودجه هم عیناً تصویب کرده است حالا امروز رأی دادن مجلس ابدأ منافی نیست که قائلش کیست قائلش معین است و باید قائلش را تقاض کرد بادیه گرفت فقط مجلس شورای ملی و هیئت دولت میخواهد بازاء خدمات او از برای وراثت او اسباب رفاه و معیشتی فراهم گردد هیچ منافاتی ندارد با فرمایش آقای حاج شیخ الرئیس

حاج شیخ الرئیس - بنده توضیحی دارم اجازه میفرمائید؟

رئیس - اگر سوء تفاهمی شده است توضیح بفرمائید.

حاج شیخ الرئیس - تقریرات آقای افتخار الواعظین را با کمال نزاکت عرض میکنم که بنده بآن نظر نگاه میکنم که تصویب این مقدار حقوق در مجلس در حقیقت خون بهای او خواهد شد چنانچه در حق ورثه مرحوم بهیهانی اعلی الله مقامه شد.

رئیس - عرض میکنم که این توضیح نبود یعنی سوء تفاهمی نشده بود گمان میکنم مذاکرات کافی است رأی میگیریم آقایان تصویب میکنند و رفته سفید خواهند انداخت و آقایانی که مخالفند و رفته آبی (شروع با خند آراء گردیده حاج میرزا و اشخاص بطریق ذیل شماره نمود).

ورقه سفید علامت قبول ۵۹ - ورقه کمبود علامت رد ۲.

رئیس - با اکثریت پنجاه و نه رأی تصویب شد (اسامی رأی دهندگان)

آقا میرزا محمد نجات - وحید الملک - آقا شیخ ابراهیم - صدر العلماء - ذکاء الملک - دکتر اسمعیل خان - حاج حیدر نصر الله - شیبانی - آقا سید حسین اردبیلی - دکتر علی خان - انتظام الحکماء - دکتر قنمان - معاضد السلطنه - متین السلطنه - حاج

محمد کریم خان - دکتر حیدر میرزا - سلیمان میرزا - دکتر امیرخان - رکن الممالک - لسان الحکماء - آقا سید جلیل - مساوات - آقا میرزا داود خان - منتصر السلطا - اعتصام الملک - سعید الاطباء - آقا سید حسین کرازی - آقا میرزا احمد - میرزا مرتضی قلیخان - ابوالقاسم میرزا - آقا محمد بروجردی - آقا سید محمد رضا همدانی - ارباب کیخسرو - طباطبائی - افتخار الواعظین - محمد الدوله میرزا اسدالله خان - دهخدا - مشیر حضور - حاج سید ابراهیم - فرزانه - نجم آبادی - میرزا قاسم خان - آقا سید محمد باقر ادیب - عز الملک - معزز الممالک - محمد هاشم میرزا - معین الرعایا - ضیاء الملک - نیر السلطان - آقا شیخ غلامحسین - تربیت ادب التجار - معتد التجار - دهخوارقانی - حاج عز الممالک - معاضد الملک - حاج میرزا رضا خان (اسامی رد کنندگان)

آقا میرزا ابراهیم خان - فقیه الملک.

رئیس - ایضاً راپورت کمیسیون بودجه راجع به آقا سید علی بنی فشنک فروش قمی قرائت میشود (راپورت مزبور بعبارت ذیل قرائت شد) در کمیسیون بودجه لایحه وزارت مالیه منضم مشروحه وزارت فوائد عامه راجع به آقا سید علی بنی فشنک فروش قرائت گردید یک نفر از سر باز های مامور قم برای خرید فشنک درب دکان سیدعلینقی رفته در بین اینکه فشنک را امتحان میکرد غفلتاً فشنک او خالی شده و اولاً بطنی که از آقا سیدعلینقی درب دکان بوده صدمه و جراحات وارد آمده و راپورت و فشنکی که در دکان بوده آتش گرفته و سایر اشیاء موجوده دکان هم صنایع و تلف شده مطابق تصدیق انجمن ولایتی و و همت تومان معین کرده اند و وزارتین فوائد عامه و مالیه تصویب نموده اند ثلث خسارت به موجب ماده ذیل در حق مشارالیه برقرار شود پس از مذاکرات لازم کمیسیون عین پیشنهاد وزیر را با اکثریت تصویب می نماید.

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مبلغ دو بیست و بیست و نه تومان که معادل ثلث خسارت آقا سید علی بنی است عاید دارد.

حاج شیخ خلیلی - بنده که هر چه در این لایحه نگاه کردم هیچ علتی بجهت تصویب این ندیدم این موضوع مثل آتش گرفتن بازار بمنابذ البته کسیکه صدمه و خسارتی بر او وارد بیاید بر ملت است که او را رعایت کنند و امانه بدهند اگر ما بخواهیم اینها را موضوع قرار بدهیم که هیئت دولت چیزی بدهند چهار خیلی اشکالات خواهیم شد یک نفر سر باز برود در دکان فشنک فروشی فشنک بفرد قضای اتفاقه فشنکی آتش بگیرد و دکان او آتش بگیرد دین چه ربطی دارد که بیایند از مال دولت و از مال ملت بگیرند و باو خسارت بدهند این چه موضوعی دارد بنده نفهمیدم اگر بنا شود اینگونه غرامات را دولت بدهد بهتر آنست آنخانه - هائیکه در اطراف پارک یاد در شهر کاشان بدون جهت و قتیکه دولت فتح میکرد غارت شد آنها را غرامت بدهند این هیچ موضوعی ندارد بنده اگر وزیر مالیه اینجا تشریف داشت خواهش میکردم از ایشان که من بدم اینطورها پیشنهاد نکنند دومرتبه تکرار میکنم یک سر باز رفته است فشنک بفرد از قضای آسمانی فشنک

در رفته است و دکان او آتش گرفته است هیچ موضوعی ندارد بجهت غرامت دادن دولت البته کسیکه کسب خطرناکی را شغل خود قرار میدهند مثل راپورت کوبی یا فشنک فروشی این طور موافق اتفاق می افتد که آتش بگیرد آنوقت دولت بیاید از مال ملت که مالیات میدهند غرامات بدهد که سر باز رفته است فشنک بفرد دکان آتش گرفته اگر یک نفر دیگر از خارج رفته بود که فشنک بفرد و آتش میگرفت چه می کردند دولت غرامت میداد بنده مخالف هستم و جداً رد میکنم.

حاج عز الممالک مخبر کمیسیون - آقای حاج شیخ علی تصدیق فرمودند که در این موضوع ملت باید کمی بکنند اگر چه اینها از مالیات خواهند داد ولی بنده فرقی نمی گذارم و کمک میدانم بجهت اینکه یقین شده است بوزارتین فوائد عامه و مالیه که این خسارت با او وارد آمده است و پسر او مرحوم شده است و در حقیقت امروز این آدم مفلس شده است و صدمه که امروز به این سید مالا بخودش جاناً به پسرش وارد آمده است از دست سر باز دولت بوده است فرضاً هم سهواً بگوئیم بوده است گویا سهواً راهم نمیشود گفت که جریمه یا غرامتی ندارد و آن سر باز را نمیشود گفت که خودش این جریمه را بدهد در حقیقت دارائی نداشته است که خود سر باز بتواند اداء خسارت سید را بکند اینستکه وزارتین مالیه و فوائد عامه همچنین صلاح دانسته اند که ثلث خسارت او داده شود کمیسیون بودجه هم حضوراً از نمایندگان قم تحقیقاتی که کرده است معلوم شده است که کسب و مایه این سید منحصر بهمین بوده است و امروز واقعا مفنوک و واجب الرعایه است از این جهت این تصویب را ننموده و این بسته است بنظر مجلس و نمایندگان و این مسئله اینقدر ها مهم نیست که داخل در موضوع شویم و اینقدر مذاکره در حقیقت این یک مبلغی است که این دو وزارتخانه صلاح دانسته اند و از طرف سر باز دولت هم این خسارت باو وارد آمده البته اگر رعایتی باو بکنند بیجا نخواهد بود.

حاج شیخ اسدالله - بنده حقیقت خیلی تعجب میکنم از بعضی راپورت هایی که از کمیسیون بودجه بمجلس میاید از آنجمله یکی همین راپورت است که تصویب کرده است که باید از آن فقراء و ضعیفاتی که از بلاد بیده مثل بلوچستان که با کمال سختی یک جزئی وجهی وصول میکنیم آنوقت بیاوریم بدیم یک شخص که دکانش آتش گرفته است مردمان فقیر خیلی هستند در مملکت مردمانی هم که خسارت با آنها وارد شده و میشود در مملکت خیلی پیدامی شود چه مناسب دارد ملت که این وجهی که از ملت گرفته میشود در مقابل خسارت باو داده بشود انجمن قم تصدیق کرده است که باین شخص خسارت وارد آمده است اگر انجمن قم میخواهد یک رعایتی در حق او بکند خوب است یک صندوق اعانه در صندوق قم بگذارند از اهالی قم که مطلعند یک اعانه بگیرند و باین شخص بدهند این کار را کرده و زوراً پیشنهاد میکنند و آنوقت وزیر هم پیشنهاد میکنند کمیسیون بودجه هم رأی میدهد میآورند بمجلس یک مدتی وقت مجلس ضایع میشود برای اینکه دکان او آتش گرفته است بنده تمام این نوع حقوق را حتی حقوقی

که بورتی مجاهدین میبندند هیچ نمی توانم تصویب کنم و تصویب نکرده ام که از قرائت ملت یکوجهی را بگیریم برای صرف امنیت مملکت و آسایش ملت آنوقت بیابوریم باین مصارف برسانیم و راپورت از کمیسیون بودجه بیاید اینجا و این مذاکرات را بکنیم و بنده تقاضا میکنم که از این قبیل راپورت ها بمجلس نیاید .

مخبر - البته کمیسیون بودجه حق دارد که در این چیزها رأی بدهد و وزراء هم حق دارند که این گونه پیشنهاد ها بنمایند کمیسیون هم تصویب بکند هیچ ایرانی بر کمیسیون نیست .

رئیس - گمان میکنم بیش از این مذاکره نداشته باشد رأی میگیریم آقایانی که تصویب می کنند راپورت کمیسیون بودجه را ورقه سفید خواهند انداخت (شروع باخذ آراء گردید و حاج میرزا رضا خان بطریق ذیل شماره نمود) .

ورقه سفید علامت قبول ۱۱ - ورقه آبی علامت رد ۲۶ .

رئیس - این راپورت بلاتکلیف ماند . (اسامی تصویب کنندگان)

متین السلطنه - حاج سید ابراهیم طباطبائی دکتور رضا خان دکتور حسین میرزا - آقا میرزا ابراهیم قمی - آقا سید محمد باقر ادیب حاج میرزا رضا خان - حاج عزالمالک - معین الراجایی - مستدینالتجار .

(اسامی رد کنندگان)

فهم الملک - آقا میرزا ابراهیم خان - منتصر السلطان - علی زاده - آقا میرزا رضا خان نائینی - آقا میرزا داود خان - آقاشیخ رضای دغووارقانی - ضیاء الممالک - محمد هاشم میرزا - عزالمث - فرزانه - مشیرحضور - افتخار الواعظین - معاضدالسلطنه - حاج محمد کریم خان - آقا سید محمد رضا - حاج شیخعلی ابوالقاسم میرزا - آقا میرزا احمد محمدعلی السلول - حاج شیخ اسدالله - معزز الملک - ذکاء الملک - زنجانی - صدر العلماء - سلیمان میرزا

آقا سید حسین اردبیلی - بنده اخطار قانونی دارم .

رئیس - بکی میخواهد اخطار قانونی نماید .

آقا سید حسین اردبیلی - راجع بانجمن های ولایتی و ایالتی .

رئیس - راجع بشمانیست اگر اخطار نظامنامه است ممکن است .

معاون وزرات معارف - مفته قبل یک لایحه راجع باحداث چند باب مدرسه ابتدائی تقدیم کرده و عرض کردم که یک ضمیمه هم خواهد داشت از برای تکمیل آن لایحه و حالا آنضمیمه را آورده ام که تقدیم بکنم و همین قدر اشاره میکنم که این راجع است برقرور دارالفنون و در ضمن این اصلاح سه مسئله درست میشود یکی تکمیل مدارس ابتدائی که در ضمن ا مدرسه دارالفنون خواهد بود از برای مدارس ابتدائی و از برای اصلاحات مخصوص علوم طبیه و اینها هر سه در ضمن این رقرور دارالفنون ملاحظه شده است و در اصلاح اقدام اینها تردیدی نیست بی چیزی که هست در جزء این لایحه راجع

باستخدام معلمین خارجه است که بنقد آنهاهی که شاید لازم باشد که تازه خواسته شود که اگر یک تربیتی باید داده شود زودتر بشود که قبل از انقضای تعطیلات بتوانیم آنها را بخواهیم و تکلیف آنها را معین بکنیم .

رئیس - فرستاده میشود بکمیسیون معارف و چون چندان کاری ندارند راپورتش را زودتر به بندهم که جزء دستور بشود و کمیسیون قوانین مالی هم فردا بطور فوق العاده باید منقذ بشود برای اینکه لایحه راجع بتغییش مخارج استقراض در آنجا مذاکره شود که زودتر بمجلس بیاید و جزء دستور شود و آقای ارباب اجازه خواسته اند راجع بنطقی که در باب ترتیب بودجه مجلس کردند سوء تفاهمی شده آن سوء تفاهم را رفع کنند .

ارباب کبخبر - نسبت بآن پیشنهادی که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند بنده اینطور فهمیدم سوء تفاهمی شده است .

بعضی تصور کرده اند که بنده مخالف بودم ولی خبر بنده خیلی تشکر میکنم از شاهزاده سلیمان میرزا که نسبت بزحمت کشان اینجا یک همچو پیشنهادی کرده اند بنده مقصود این بود که در ضمن آن بودجه که پیشنهاد شده است نظریات هیئت رئیسه و اداره مباشرت را عرض کنم که در آنجا این مسئله منظور و رعایت شده است و عرض کردم در موقع خودش منظور خواهد شد و بنده با آ پیشنهاد موافق هستم و این اقدام هم شده است .

رئیس - راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی قرائت می شود (راپورت مزبور بمبارت ذیل قرائت شد)

لایحه اظهاریه وزارت امور خارجه مورخه ۱۹ مادی الاولی ۱۳۲۹ بمضمون ذیل در کمیسیون عرایض و مرخصی ملاحظه شد - نظر بحسن روابط یکجهتی که مابین دولت علیه ایران و دولت فقیمه انگلیس موجود است در موقع تاجگذاری اعلیحضرت پادشاه انگلستان از طرف دولت علیه جناب اشرف علاءالسلطنه بسمت سفیر کبیر فوق العاده تعیین و انتخاب گردیده است و نظر بسابقه اطلاعات جناب فهم الملک بروابط خارجه حسب الاموال اقدس درمشت سفارت برته مستشاری معین شده اند لهذا خواهشمند است اجازه سه ماهه برای مشارالیه صادر فرمائید که در ظرف اینمخته بایستی روانه شوند کمیسیون عرایض و مرخصی با کثرت سه ماهه تصویب میکنند مرخصی آقای فهم الملک را .

رئیس - رأی می گیریم باین راپورت کمیسیون عرایض مرخصی (بعضی اجازه نطق خواستند)

رئیس - سابقاً این طور بوده است که برای اینگونه مطالب که اهیتی ندارد مذاکره لازم نیست رأی میگیریم آقایانیکه مرخصی آقای فهم الملک را تصویب میکنند بنمایند (با کثرت تصویب شد) آقای ادیبالتجار سؤالی از وزارت داخله داشتند -

ادیبالتجار - ازقراری که امروز بعضی از نمایندگان نقل کردند و خودشان هم با چشم این

قضیه را دیده اند و خودم هم در شهر افواها شنیدم که این قضیه واقع شده است دشواری آن این بوده است از دروازه امامزاده حسن یک نفر بختیاری در ترک خودش یک دختر را قرار میداده است و یک سوار بختیاری دیگر هم باتفاق از عقب وصهه پلیس و زاندرم از عقب چون دختر استغانه میکرد است و عدده پلیس و زاندرم تماقب کرده بودند و مردم حیران بودند که این چه اوضاعی است تارسیه است از جلوخانه حجة الاسلام آقای آقا سید محمد طباطبائی و از آنجا بگلوبندک و سبزه میدان تا بازارچه مروی و بعضی فراد میگردانند چون تیراندازی هم از طرفین شده است و این قضیه در پایتخت از یک دونفر آدم وحشی این طور وقوع پیدا بکند البته وزارت می داند چقدر باین اقداماتی که وزارت داخله و مجلس شورای ملی بجهت امنیت شهر و حفظ ناموس مردم را دارد مخالف میل و سلیقه نمایندگان مجلس شورای ملی خواهد بود و البته هیئت دولت هم در اینطور چیزها خیلی اقدام دارند که ناموس مردم محفوظ باشد که این قسم حرکات در هیچ نقطه از نقاط ایران واقع نشود خصوص در پایتخت سؤال میکنم از وزارت داخله که در این باب چه اقداماتی فرمودید و مجازات آنها چه جور شده است اقدامات خودتان را بفرمائید تا قلوب نمایندگان و عامه مردم از این حیث و دهشت این حرکت شایع آسوده گردد

رئیس - قبل از آنکه آقای معاون وزارت داخله جواب بدهند عرض میکنم و از حالا اخطار میکنم خوبست ملاحظه فرمائید بعضی الفاظ نامناسب را در نطق خودتان اجتناب فرمائید

معاون داخله - راپورت جزئیات این مسئله را عرض نمیکنم همین قدر که این مسئله انتشار یافت از طرف ریاست وزراء عظام شرح مفصلی نوشته شد پس در اردا رسد جوابیکه نوشته اند این طور بوده که از قرار مذکور ایندختر متکوحه آنشخص بختیاری بوده است و این دونفر فعلاً محبوس هستند که محکمه نظامی جدار سیدگی کنند در صورتی که این حرکت رذیله از آنها ناشی شده است البته بقانون مملکتی مجازات خواهند شد و دولت از مجازات آنها صرف نظر نخواهد کرد

ادیبالتجار - بنده استدعا میکنم اقداماتی را که دولت بعد از تحقیقات عمیق چون بعضی از نمایندگان و اغلب مردم اظهار میگردند که دختر استغانه میکرده است اگر متکوحه او بوده است استغانه و فریاد نمیگرد این طور نبوده است در صورتیکه صحیح و این طور بوده است اقدامات خودتان را در جلسه آتی برای استحضار نمایندگان محترم بفرمائید

معاون داخله - این که کاملاً عرض نکردم برای این بود که جزئیات این را نمی توانستم عرض کنم همین قدر اطمینان می دهم که دولت در این خصوص کمال دقت را خواهد کرد و اگر این ها مرتکب این امر قبیح شده اند البته مجازات خواهند شد

رئیس - آقای حاج امام جمعه از وزارت اوقاف راجع بشریه که از اوقاف گرفته میشود سؤالی داشته اند حاضرند برای جواب یاخیر

معاون وزارت علوم و اوقاف - بله بفرمائید

حاج امام جمعه - ازقراریکه از بعضی از ولایات ذکر میکنم رؤسای اوقاف در بعضی جاها یک عشر از حاصل اوقاف را بنسوان حق نظاره مطالبه میکنند البته در این مورد هیچک از وزارت خانه ها و مأمورین آنها نمیتوانند از قرارداد مجلس شورای ملی تجاوز کنند

رئیس - این استیضاح است نه سؤال

حاج امام جمعه - سؤال است بعد درست توضیح میکنم سؤال را بله ازقراری که خبر میرسد یک عشر بعنوان حق النظاره وزارت اوقاف از حاصل اوقاف مطالبه میکنند خواهی بفرماید که وزارت اوقاف از این مسئله اطلاع دارند یاخیر و بر فرض این که اطلاع دارند در جلوگیری این اقدام خلاف قانون اقدامی کرده اند یاخیر

معاون وزارت اوقاف - بله همین طوری که آقای حاج امام جمعه فرمودند چندی قبل بعضی تلگرافات و مکاتب رسید با داره اوقاف در این ضمن راپورتنی از افضل الملک امین اوقاف رسید معلوم شد از مأمورین اوقافیکه در اطراف هستند فقط کسیکه اقدام خواسته است قانونیکه از مجلس مقدس گذشته که تا یک اندازه خواسته است صورت وقف نامه ها را به بیند و موقوفاتی که در تصدی بعضی اشخاصی که مستحق دخل و تصرف در آنها میگردند بلکه بطور صحیحی اداره بکنند و تا این اندازه مامم اجازه داده شده بود ولی معلوم است که هر اقدامی که موافق ترتیب است در همه جا مخالف میل بعضی است باین جهت بعضی ها باو تعرضات کرده اند و شکایت بانجمن کرمان برده اند و آنجا رسیدگی ها کرده اند چنانچه بنده الان اینجا اسنادی دارم که روزنامه خود کرمان وانجمن ایالتی نوشته اند که رسیدگی کردیم چنین چیزی یعنی بخصوص بعنوان عشریه و حق النظاره چیزی نگرفته اند مگر در خصوص بعضی اوقاف که معمولاً التوبه گوی آنها ثابت شود ممکن است یک چیزی بعنوان عشریه اوقاف گرفته شود ولی در بعضی اوقافیکه متولی و ناظر شرعی مبینی داشته است ابداعاً او چنین اظهاری نکرده است فقط چیزیکه میشود تصور کرد برای این مسئله از بعضی اقدامات است که واقعاً او کرده است بعضی اوقافی که مغرور بوده است خودش اقدام کرده و متولی ها را واداشته که تعمیر بکنند و اگر آنها نکردند خود او مجدداً آنها را واداشته است که از عاقدی آن اوقاف بدهند و تعمیر بکنند چنانچه کرده است و بعضی موقوفاتی که ارزان و بیگ وجه کمی اجاره داده اند خواسته است که یک اجاره بهتری داده شود و با جاره خوبی بدهد و این واقعاً اسباب این شکایت و این های و موها شده است حالا با وجود این اگر بخواهند امین اوقاف بعد از این این یاهر یک از اجراء ادارات بخواهند یک اقدامی بکنند البته یک جماعتی هم با آنها مخالف میکنند فوراً آنها را مخدول و منکوب کرد گمان نمیکند هیچ کاری پیشرفت بکند ولی علی ای حال از انجمن ایالتی و حکومت مستقیماً نوشتیم خواستیم که حقیقت مطلب را درست بگویند و در صورتیکه از یک موضوع معین تعدی شده است یا یک چیزی از یک موضوع معین عشریه گرفته است آنرا بگویند تا وزارت اوقاف رسیدگی

کرده و آنچه لازمه مقام است معمول دارد ولی چون تلگرافاتی که در اینخصوص رسید تماش بطور کلی و مهتات بوده و درست معلوم نشد که از زوری واقع بوده و یک تقنین حاصل نشده است که آنستالین درست بوده و از روی یک غرض و یک مقصود دیگری نه بوده است .

حاج امام جمعه - اینک معاون وزارت اوقاف ذکر کرده اند که امین اوقاف میخواهد اوقاف آنها را مرتب بکند اینرا خیلی تحسین و تمجید میکنم لکن البته در این مورد هیچک از وزراء تغانها و مأمورین آنها نمیتوانند از قرار داد مجلس شورای ملی تجاوز بکنند .

رئیس - این استیضاح است نه سؤال

حاج امام جمعه - بطور سؤال تقریر میکنم و اگر بخواهند یکی از مأمورین تعدی بکنند باید جلوگیری بکنند اعلانی رسمی بامضای معاون وزارت اوقاف نه آقای خان رئیس بامضای مصطفی قلی وبامضای حکومت کرمان چاپ کرده اند و در کربلانتشر کرده اند که در آن اعلان قانونیکه از مجلس گذشته است آنرا درج کرده اند و بعد چند ماده از طرف خود وزارت اوقاف علاوه میشود یکی از آن مواد اینست که عشر مطلق موقوفه را دیگر ارانیکه متولی دارد یا ندارد اسم نمیبیرد بطور مطلق میگوید عشر عایدات اوقاف را باید بوزارت اوقاف بدهند چون تا حال چنین ترتیبی از مجلس نگذشته است خواه نسبت باوقافی که متولی خاصی دارد یا متولی خاصی ندارد مجلس قرار نگذاشته است که از آنها عشریه بوزارت اوقاف مطالبه بکند اینست که از وزارت اوقاف میخواهد که اگر خلاف قانونی شده است جداً مخالفت کنند نگذارند و همچو چیزی شود

رئیس - آقای ادیبالتجار سؤالی در خصوص آب قزوین دارند نمیتوانید جواب بگویید

معاون وزارت داخله - دو فقره از سؤالات آقای ادیبالتجار را موقوف بجلسه آتی کرده بودم اگر اجازه میفرمائید عرض کنم

رئیس - یک سؤال هم در خصوص آب قزوین داشتند

معاون وزارت داخله - آندو سؤال یکی در باب اسناد مأخوذه بود یکی در خصوص عوائد دواثر نیک در خصوص عوائد دواثر نیک از بدو تأسیس این دواثر تا چندی قبل عوائد این دواثر محل نادیه حقوق نظمی بوده و بعضی تبدیلات هم در آن داده شد بالاخره وزارت داخله و وزارت مالیه صلاح دانستند که چون دواثر نیک یک شیه از شعب مالیه است آنرا جزء وزارت مالیه بکنند حقوق نظمی را و وزارت مالیه از همان محل بپردازد و در خصوص اسلحه مأخوذه هم تحقیقات و تقشقات وزارت داخله هنوز تکمیل نشده است بعد از اینکه تکمیل شد عرض میشود

ادیبالتجار - اما در خصوص وجوه دواثر نیک بعد از این که فراد داده است وزارت داخله که ضمن وزارت مالیه بشود و داخل مجری قانونی بشود خیلی تمجید میکنم لکن سؤال بنده فریب پنجاه است شده است از باب گذشته ها است که در این مدت و جوهری که در ولایات و طهران از باب دواثر نیک داده اند وزارت داخله گرفته آتوجه

چه بود و چه شده است و حسابش چقدر است و بکجا رسیده است این را معاون وزارت داخله میتوانند بفرمایند که اینها حسابش رسیدگی شده است صحیح است و وزارت داخله اطلاع کاملی از مأخوذات آنها دارد یاخیر و امامدرباب اسلحه این راهم بنده پنجشش ماه است که سؤال کرده ام حالا بفرمائید بعد جواب خواهم داد خواهش میکنم که بزود ترین توجی که وزارت داخله دارد در همین دوسه جلسه جواب را بیاورند و بفرمایند

معاون وزارت داخله - در خصوص عوائد دواثر نیک خودشان فرمودند که در چند ماه قبل است اینرا تصدیق میکنم لکن بنده وقتی میتوانم جواب را کاملاً بدم که تقشقی شده باشد از طرف وزارت داخله مفتش سیار باطراف بروند و صورت صحیحی بدست بیاورند بعد از آن بنده می توانم راپورت کامل بدم و بحالتاً صورت ناقصی که از بعضی ولایات رسیده است آنرا بنده یک چیز صحیحی نمی دانم و عنقریب نظریات وزارت داخله و مالیه در تصحیح صورت حساب معلوم خواهد شد در خصوص اسلحه مأخوذه همینطور که عرض کردم بعد بعرض میرسانم

رئیس - آقای ادیبالتجار سؤالی از وزارت فوائد عامه راجع بتکثیرات قزوین داشتند؟

ادیبالتجار - تقریباً این مسئله هم دوماه است که مطرح شده است و عریضه بمجلس نوشته اند از اسلامبول که یکی از محترمان خیروطن خواهان اهالی قزوین است که پنجاه سال است رفته است باسلامبول یک توجیه مقدمه حاضر کرده است که برای آسودگی اهالی قزوین و هم وطنان خودش حاضر کرده است که بعد از طرف مجلس شورای ملی بوزارت فوائد عامه فرستاده شد و آنجا قراردادشکه مهندس بفرستند و اسهل طرق تکثیر آب را مین کنند و بمجلس اظهار شود که چه اقداماتی کرده اند که با شخص نوشته شود ازقراریکه فرمودند در اقدام بودماند خواهش میکنم که اقداماتشانرا بفرمایند

معاون وزارت علوم و فوائد عامه -

همینطوریکه فرمودند چندماه قبل فرمودند که بکثرتی است تضمین می دهد برای تکثیر آب قزوین البته معلوم است این اظهار اظهار خوبی است و مصرف هم بهتر از این نمی شود ولی فقط چیزی که کسر است این مسئله این بود که چه مبلغی می دهد و چگونه میدهد و این مقدمه البته لازم بود برای اینکه اقدامی که از طرف دولت باید بشود معلوم است باید بطور کلی کامل و بهتر بشود و البته در این قبیل مطالب نمی شود که دولت یک تصدیق سطحی بکنند این یک مسئله جزئی نیست بر آورد مخارج یکرود خانه اینکه او را مثلا منعطف بکنند یا یک نهری بکنند اینها یک مسائل عده است اولاً هر مهندس و هر کسی این کار از او ساخته نیست و ثانیاً مخارج ابتدائی این کار یعنی رفتن و یک چند کاری را کردن خودش متضمن یک مقدماتی و یک ملاحظاتی است که شاید در مملکت ما اشخاصیکه بتوانند از عهده اینکار بخوبی برآیند هیچ نیست ولی چون اینکار خیلی اهمیت داشت ما باندازه که توانسته ایم درصد اینکار برآمده ایم و یک مهندس که تازه معلومات مهندس او خوب است و کافی

است و خودش سابقاً با آنجا رفته بود و اطلاعات کامله در اینخصوص داشت اطلاعات او را خواستیم و دیدیم بلکه نقشه هم داشت او را هم آوردیم دیدیم آن شخص سایر اقدامات را بجای آب قزوین صلاح نمی داند و چندان محل توجه نیست از قبیل حفر قنوات وغیره که آنها چندان نتیجه نفع اهدا داشت چون خیلی جرئتست ولی چیزی که اهمیت دارد برگرداندن رود شاهرود است بطرف جلگه آقزویین آنرا هم مطابق نقشه که دارد در دو نقطه ممکن است سد بسازند و منصرف کرد بصرف جلگه قزوین و مطابق نقشه که دارد در دو نقطه آورده است تقریباً یک سد و پنجاه هزار تومان میرسد اینک دیگر آن آبی که قابل باشد نمی تواند بجلگه قزوین بیاورد شاید سی سنک آب بیشتر بیاورد ولی با این تر از او یک محل دیگر با مخارج بایندهزار تومان میگوید ممکن است قریب صد سنک یادوست سنک آب از آنطرف بسمت جلگه قزوین آورد بدون اینکه ضرری ببا این دست بزند بلکه ممکن است بشهر هم آورد این معلومانی است که تا این اندازه ما تحصیل کرده ایم ولی اینها تحقیقاتی نیست و عقیده ام اینست که این اندازه اطلاعات نمی شود اکتفا کرد بلکه باید اگر واقفاً یک شخصی هست که یک مبنی از برای اینکار گذارده است اولاً آن مبلغ را معین کند که منظم بکنیم این مسئله را و اگر وجه عده است و میتوان اینکار را کرد قابل اینست که یک مهندس صحیحی خواست که مخصوص این کار باشد جلب کنیم که ببا این کار را انجام بدهد تا اینکه یک کار صحیحی کرده باشیم و الا با سائلی که امروزه هست و ما آنها را نداریم ممکن نیست که فایده از مذاکرات خودمان برده باشیم و شاید نتیجه خوبی حاصل نکند و یک بولی هم تلف بشود .

رئیس - آقای اردبیلی سئوالی از وزارت داخله داشتید راجع بخواست بفرمائید .

آقای سید حسین اردبیلی - بحسب نوشتهجات زیاد که در این اواخر از گیلان و طوالتش میرسد گویا حکومت آنها خیلی بی اعتدالی کرده است باهالی و بعضی ترتیبات قدیم را اجرا کرده است از قبیل آتش زدن خانه ها و بعضی شکجهها مثل دوره توحش که روزنامه گیلان هم در نمره اخیر پنجاهم نوشته است که واقفان اگر مندرجات آن صحت داشته باشد بدترین چیزی است که در این دوره واقع شده است بنده از معاون وزارت جلبله داخله سئوال میکنم که در این خصوص چه اطلاعی دارند و اگر این مطلب صحیح است چه اقدامی کرده اند .

معاون وزارت داخله - از گفتاشات طوالتش در چندین قبل خاطر نمایندگان کاملاً مسیوق است و حکومت آنها مکرم الدوله در قلع و قمع اشرار اقدامات کرده همینطور که نماینده محترم میفرماید بعضی شکایتها اخیراً از آنجا رسیده است بحکومت حالیه گیلان تعلیمات لازمه داده شده که بعضی ورود تحقیقات لازمه بکنند اگر تبدیاتی کرده است و خلاف قانون رفتار کرده است حاکم طوالتش البته مجازات خواهد شد تصور میکنم که این اظهارات بر نسبتهایی که باو میدهد در موقع و اوقاتی بوده است که مشغول زد و خورد بوده است حالا حاکم جدید که تعیین شده است بعد از ورود راپورت خودشانرا

در این خصوص خواهند داد آنوقت وزارت داخله میتواند نظریات خودش را بر عرض مجلس برساند .
رئیس - آقای افتخار الواعظین هم سئوالی دارند .

افتخار الواعظین - سئوالاتی که بنده از وزارت داخله کرده بودم چند فقره بود ولی بالنعل اکتفا میکنم بدو سه فقره از قراریکه بنده شنیده ام و در یکی دو روزنامه دیده ام و تیکه یارمحمد خان کرمانشاهانی را بمفرستند بکرمانشاهان و او وارد میشود بانجن و در انجن و در بعضی مجامع دیگر شنیده میشود که نسبت بدولت مشروطه و مخصوصاً نسبت ببعضی از وزرای محترم بعضی حرفهایی که هیچ سزاوار نه بوده است گفته است و بعد یک کسی را که قبلاً مأمور گرفتاری او بوده است از طرف دولت میرفته است بطرف دیوانخانه حکومت او را از بالای بام می زنند می کشند بعد جمعی از کسان او از برای خونخواهی مقتول وارد کرمانشاهان میشود از طرفین امر منجر میشود بسنگر بندی و اغتاش و اعلان جنگ و مخالفت بادولت بنده سئوال می کنم از معاون وزارت داخله که این چیزها را که در روز نامه جات می خوانیم و این مطالبی که می شنویم آیا راست است یا راست نیست اگر راست بوده است برای قلع و قمع یک کسیکه برضد دولت و حکومت بخواهد اقدامات بکند دولت چه اقدامات کرده است و سئوال دیگر بنده راجع بعیدر خان است که بنده شنیده ام وارد اصفهان گشته اند درحالی که مبلانی دولت باو خرج راه داده بودند که ایشان از طرف بندر جنوب بروند بفرنگستان و ایشان وارد اصفهان که شنیدند اصفهان بطرف بختیاری حرکت کردند و آنجا بعضی استعدادها و سوارها جمع آوری می کنند و خیال معاودت باصفهان دارد آیا این چیزها که می شنویم صحیح است یا صحیح نیست و اگر چنانچه صحیح است دولت چه اقدامی کرده است و ایشان موافق حکم دولت آیا بطرف فرنگستان از طرف بنادر که بنا بود حرکت کنند حرکت کرده اند و رفته اند باخیر و سئوال دیگر بنده راجع بود به آقای صاحب اختیار در خراسان که اقدامات ایشان هم آنچه که بنده از خراسان شنیده ام و در روزنامه جات میخوانم علاوه بر این که صحیح و قانونی نه بوده است مثل اینکه بعضی حکام جزعرا که اهالی از آنها راضی بوده اند و منتهی رضایت را بتوسط انجنها و نمایندگان خودشان بوزارت داخله اظهار داشته اند بدون جهت قانونی عزل کرده اند به بعضی حکام جزئی که نسبت بکارهایی که کرده اند از طرف وزارت داخله بواسطه کثرت تعدیات آنها بر عیت حکم قطعی شده بود بفرمانفرمای خراسان که آنها را مادام العمر خدمت ندهند آنها را حاکم جزء کرده است و بعضی اقدامات برخلاف مشروطیت و برخلاف دولت و برخلاف اساس مشروطیت کرده است و بعضی اقدامات برخلاف امنیت در شهر مشهد میشود و ایشان آنطوریکه لازم است بوجه من الووجه جلوگیری نمی کنند و از عهد امنیت نظم شهر برنی آیند بنده می خواهم سئوال کنم که این مطالبیکه گفته میشود واقع شده دولت برای رفع مفاسد چه اقدامی کرده اند و چه نظری دارند .

معاون وزارت داخله - در جواب سئوال اول عرض می کنم پس از آنکه یارمحمدخان از اینجا

بطرف کرمانشاهان کسبیل شد بطوری که اغلب نمایندگان مستحضره ازین راه فرار کرد رفت بکرمانشاهان در بدو ورود بشهر بانجن ولایتی رفت و از طرف انجن و جمعی از اهالی استعما کردند که او را عقوبت کنند این بود که درخواست انجن رادولت پذیرفت و رافت دولت شامل حال او شد و چندی نگذشت که مسئله قتل معین الرعا یا پیش آمد از مرکز بحکومت تعلیمات داده شد که قاتل او را دستگیر کنند بالاخره راپورتی از حکومت کرمانشاهان رسید که بعضی اشرار سنگر بندی کرده اند و تکلیف خواست دولت تعلیمات اکیده داد که با آنها اختصار شود اگر ۲۴ ساعه آنها دست برداشته و متفرق شدند و سنگر بندی خودشانرا موقوف کردند عفو دولت شامل حال آنها خواهد شد الا بقوه حریه آنها رافلع و قمع کنند این اختصار دولت بحکومت کرمانشاهان که بتوسط حکومت با آنها ابلاغ شد سبب شد که قبل از آنکه مدت التیام دولت تمام شود سنگر های خودشانرا ترک کردند و فرار کردند یارمحمدخان باجمعی از اتباع خودش از شهر خارج شد و شهر کرمانشاهانرا منظم است امامشله حیدر خان این راهم چنانچه مسیوق هستند باو خرجی داده شد و روانه شد باصفهان که رسید خبر رسید که بصرف چهار لنگ رفته است در این خصوص از طرف وزارت داخله تحقیقات از حکومت اصفهان شده است جواب آن نرسیده است که بعرض برسائیم سئوال سوم در خصوص صاحب اختیار فرمانفرمای خراسان که بعضی از حکام جزعرا تغییر و تبدیل داده است بنده عرض میکنم فرمانفرمای یک ملکیتی البته نظریاتش دولت محل اعتناء است ولی این را هم البته تصدیق خواهند فرمودند که نسبت به بعضی از حکام بطوریکه اظهار کردند حسن ظنی از اهالی در حق او بوده است مخصوصاً بصاحب اختیار تعلیمات داده شده است که حکام جزئیکه بحسن اخلاق و سلوک معروف هستند آنها را از کار بیکار نکنند و هنوز جواب سئوال وزارت داخله از فرمانفرمای خراسان نرسیده است امید وارم رفع نگرانی نماینده محترم در این سئوالها بشود .

رئیس - آقای مشیر حضور از کمیسیون نظام استعفاء داده اند در لسه آتیه یک نفر بجای ایشان باید تعیین شود .
دستو سه شنبه طرح قانونی راجع بتجزیه بلوچستان از کرمان شور دریم قانون طبابت راپورت کمیسیون معارف راجع باده ششم قانون معارف مخالفی هست ؟
حاجی عز الممالک - در خصوص تجزیه بلوچستان از کرمان بنده نظر وزارت داخله را خیلی اهمیت میدهم چنانچه وزیر داخله اظهار میکرد معظوری دارد خوبست نظر معاون وزارت داخله در این خصوص معلوم شود اگر عقیده دارند جزء دستور شود و الا بماند تا اینکه نظریات وزارت داخله در این باب کاملاً معین و معلوم شود .

رئیس - در اینکه جزء دستور باشد رای گرفته شده است و در جلسه آتیه جزء دستور گذاشته میشود و چون مجلس همیشه میتواند دستور خودرا تغییر بدهد ممکن است در جلسه آتیه وزیر داخله حاضر بشوند اگر مجلس راقانع کردند آنوقت میتواند دستور خودرا تغییر بدهد .

لواءالدوله - در جلسه گذشته بنده عرض کردم و تقاضا کردم قانون ترفیع رتبه جزء دستور گذاشته شود فرمودید در جلسه دیگری حالامی بینیم نه در دستور این جلسه بود نه در دستور جلسه دیگر .
رئیس - قانون ترفیع رتبه را آنروز که عرض کردم گذاشته بودیم برای شنبه جلسه بنجم ولی چون دستور یک جلسه را بیشتر نمیتوانیم معین کنیم میگناریم برای بعد .

حاج شیخ اسدالله - قانون اخذ سوار از ایلات در جلسه گذشته تقاضا شد و فراموش شد که ۱۰ نفر امضاء بکنند تا در دستور گذاشته شود جمعی از نمایندگان هم امضاء کردند نمیدانم بهیئت رئیسه رسیده است که جزء دستور گذاشته شود یاخیر در هر صورت حالا عرض میکنم جزء دستور گذاشته شود که خیلی لازم و منتهی دانم و دیگر در خصوص راپورت کمیسیون داخله راجع به تجزیه بلوچستان از کرمان آنرا هم خوبست بفرستند بکمیسیون که کمیسیون نظریات خودرا در آن بکنند و بعد بمجلس راپورت بدهد .
رئیس - در باب لایحه سوار از ایلات در جلسه گذشته تقاضا کرده بودند و جزء دستور پنجشنبه گذاشته شد ولی حالا عده کافی نیست برای اینکه رای بگیریم .

میرزا ابراهیم خان - بصوریکه آقای رئیس فرمایش فرمودند چنین استنباط کردم که دستور یک جلسه را بیشتر نمیخواهند معین فرمایند باظهاریکه نماینده محترم در موضوعی اظهار کرده بودند بنده آنچه استنباط میکنم ترتیباتی که در هیئت رئیسه اتخاذ شده بود برای تعیین دستور نباید باظهاریکه نفر نماینده بهم نخورد و آن ترتیبیکه برای حسن جریان امور آقای رئیس اتخاذ فرموده اند ترک فرمایند و بقیه داره آن نماینده محترم هم بیاره ملاحظات که یک طرحی را میخواهند جزء دستور بشود این اظهار را کردند .

عز المملک - نه اندا - پس با کمال احترام از آقای رئیس استعما می کنم هما ترتیبی را که تا بحال معمول داشته اند معمول بدارند و همان دستور را تعیین کنند که نمایندگان محترم هم وقت داشته باشند از برای مطالعه مطالبیکه جزء دستور گذاشته شده است و البته پس از مطالعه نظریات از روی یک تصور و تعمقی خواهد بود .

رئیس - ولی این مسئله اسباب اشکال خواهد شد برای اینکه اگر بخواهم دستور سه جلسه را عرض کنم چون دوازده سیزده مطلب میشود آنوقت اگر بخواهم رای بگیریم وقت خیلی تلف خواهد شد و چون همیشه آقایان خواسته اند مراعات نظامنامه داخلی بشود اینستکه همان دستور یک جلسه را معین میکنیم اما راجع باظهار آقای حاجی شیخ اسدالله که راپورت خواسته بودند راپورت پیش خودتان است راپورت کمیسیون را خودتان داده بودید .

حاج شیخ اسدالله - بنده عرض می کنم که چون مخبر میتواند وقتی که راپورت بمجلس آمد تقاضا کند که مجدداً برگردد بکمیسیون تا تا نایب اگر کمیسیون نظریاتی دارد نظریات خودش را ضمیمه

کرده و بمجلس راپورت ثانوی خودش را بدهد از اینجهت عرض میکنم این راپورت را از دستور جلسه بعد خارج مینمایند که بکمیسیون بیاید و با حضور وزیر داخله مذاکره شود بعد بمجلس راپورت داده شود .

رئیس - از امروز تا روز سه شنبه جلسه ندارید .

حاج شیخ اسدالله - جلسه داریم لیکن چون بعضی از اعضاء کمیسیون داخله استعفاء داده بودند و عرض آنها تازه انتخاب شده است چون از طرف حضرت رئیس اظهاری در تعیین آنها نشده است تکلیف معلوم نیست و دیگر آنکه چون باید قبل از بوزیر داخله از طرف هیئت رئیسه اظهار شده باشد که در کمیسیون تشریف بیاورند و جلسه کمیسیون فردا است و وقت نداریم برای اطلاع دادن بوزیر داخله که حاضر شوند این است که تقاضا میکنم که در دستور جلسه دیگر گذاشته شود که زیر داخله را اطلاع داده ام برای جلسه روز چهارشنبه کمیسیون حاضر شوند و بعد از نظریات وزیر داخله کمیسیون راپورت داده شود .

رئیس - فرمودند روز دوشنبه جلسه فوق العاده منعقد نمایند بوزیر داخله هم اطلاع داده میشود که تشریف بیاورند (رئیس حرکت کرد بمجلس مغرب ختم شد .)

۲۵۳

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه غره شهر جمادی الاخری ۱۳۲۹

آقای مؤتمن الملک رئیس ۳ ساعت و ۴۰ دقیقه قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس فرمودند و سه ساعت و ربع قبل از غروب مجلس را رسماً منعقد نمودند .
آقای ماضد الملک صورت جلسه قبل را قرائت کردند (اسامی غائبین جلسه قبل .
غائب بدون اجاره - حاج وکیل الرعا یا امیرضی آقای ناصر الاسلام - آقای حاج آقا دو ساعت و بیست دقیقه و آقایان طباطبائی و بهجت هر یک چهل و پنج دقیقه .
آقایان : آقا شیخ حسین یزدی - نیر السلطان - حاج امام جمعه هر یک سی و پنج دقیقه و آقایان معتمد التجار و آقا سید محمد باقر ادیب لواءالدوله حاج شیخ اسدالله آقا میرزا ابراهیم قمی و معذل الدوله آقا سید محمد رضا همدانی هر یک نیم ساعت بعد از وقت مقرر حاضر شدند .

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست ؟
حاج شیخ اسدالله - بنده در وقتیکه تقاضا کردم راپورت کمیسیون داخله راجع بتجزیه بلوچستان را از کرمان بکمیسیون بیاید برای این که کمیسیون دو مرتبه نظریات خودش را ضمیمه کند حضرت رئیس فرمودند که روز ۳ شنبه جلسه فوق العاده منعقد بشود و این جا نوشته شده است یکشنبه .
رئیس - دوشنبه نوشته میشود ملاحظات دیگری هست ؟ (اظهاری نشد) و دستخطی از آقای نایب السلطنه رسیده است راجع بتلگرافی که از مشهد

حضور مبارک شان مغایره شده قرائت میشود (دستخط بمبارت ذیل قرائت شد) .
۱۷ جمادی الاولی ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی تلگرافی از مشهد مقدس رسیده که مقصود از بعضی مندرجات و اشارات آنرا کاملاً ملتفت نشدم و چون مطالب راجع بمجلس است خطاب آن باین جانب مناسب بنظر نمی آید خاصه تقاضای آخر تلگراف که مسلماً منافی با وظایف قانون انتخاب است چون استحضار نمایندگان محترم از مفاد آن لازم بود فرستادم ملاحظه نمایند که اگر توضیح و جوابی لازم است باطلاع مجلس شورای ملی باشد و منتظر جوابم که تکلیف معلوم شود .
ابوالقاسم - تلگرافی که در دستخط اشاره فرمودند اینست که خواننده می شود (بمبارت ذیل قرائت شد)
مقام نیابت سلطنت عظمی دامت عظمة والا حضرت بهتر میدانند مشروطیت تعیین حدود و ایقات یک ملت است که قانون اساسی آنرا معین نموده ملت آنهمه خسارات را برای نیل باین مقصود تحمل نموده نه برای تبدیل اشخاص و گرفتاری اختیار از شخص و دادن اختیارات تامه بهیشتی والا حضرت می دانند اختیار تامه نه فقط ناقض قانون اساسی بلکه موجب اهدار تمام تلفات و خسارات ایرانیان است در عصر نیابت سلطنت والا حضرت تصویب چنین اختیار ناصواب جای بسی تعجب است والا حضرت میدانند اکثریت وقتی مطاع است که با کلیات قانون اساسی مطابقت داشته باشد و ناقض مسلمات اساسی سلطنت مشروطه نباشد ملت و کلاء را برای ارجاع استبداد و بدل اختیارات تامه و کالت نداده اند اکثریت معارض مشروطیت هیچ وقت مطاع نخواهد بود ملت برای قبول همه قسم امتیازات و استغراضات و تصویب معاهدات استقلال برانداز ایران هیچوقت حاضر نمیشد ماملت وطن خواه بیروست نموده جلوگیری و اصلاحات را از ذات مقدس والا حضرت خواستاریم و بی حالت مضطربانه منتظر اقدامات شایعه میباشیم (پامضاء صدو نود نفر) .

رئیس - بنده می بینم که خیلی از آقایان اجازه خواسته اند که در این باب نظر بکنند و بنده گمان میکنم این موقع موقع نطق کردن در این مسائل نیست والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه دستخطی مرقوم فرموده اند و تکلیف خواسته اند از مجلس جوابی حضور مبارکشان عرض شود که جواب تلگراف آنها را بدهند بنده گمان میکنم از برای این که عجلتاً دستخط والا حضرت بی جواب نمانند باشد و تکلیف ایشان معین شده باشد بهتر اینست که از مجلس عریضه حضور مبارکشان نوشته شود دستخط مبارک قرائت شده مانند طور که مرقوم فرموده اند مقام نیابت سلطنت فوق این قبیل مطالب است و والا حضرت اقدس در این امور دخیل نیستند این قبیل امور راجع بمجلس و هیئت وزراء است و جواب از طرف وزراء و مجلس بصاحبان امضاء این تلگراف داده خواهد شد برای اینکه والا حضرت تکلیف خودشانرا بدندان و ما هم بیشتر فرصت بین خودمان و وزراء گفتگو می کنیم و جواب این تلگراف به صاحبان امضاء بعد داده میشود برای اینکه بیش از این دستخط مبارکشان بی جواب نماند گمان میکنم

اغلب آقایان باین عقیده همراه باشند (بعضی مخالفت کردند و اظهار داشتند باید مذاکره شود).

رئیس - پس رأی میگیریم که در این خصوص مذاکره شود یا مذاکره نشود و بطریقی که عرض کردم جواب داده شود بعد از دوسه روز دیگر آقایانی که باین ترتیب موافقت نایمانند (با کثرت ۴۷ رأی تصویب شد).

دستور جلسه امروز لایحه تقشبه وجه استقراری قانون طبابت - طرح قانون راجع به تجزیه بلوچستان از کرمان - قانون استخدام ولی طرح قانون راجع به تجزیه بلوچستان از کرمان که رجوع شده بود به کمیسیون تا حال راپورتش نیامده پس شروع میکنیم بلایحه تقشبه یا اینکه شروع میکنیم بلایحه طبابت تا وزراء حاضر شوند بعد شروع می کنیم بلایحه تقشبه - این شور دوم قانون طبابت است باید رأی بگیریم داخل شور دوم شویم آقایانی که تصویب میکنند که داخل شور دوم شویم قیام نمایند با کثرت تصویب شد ماده اول را بخوانید (بمبارت ذیل قرائت شد).

ماده اول - هیچکس در هیچ نقطه ایران حق طبابت ندارد مگر اینکه از وزارت معارف اجازه نامه طبابت گرفته و ثبت وزارت داخله رسانیده باشد.

دکتر حیدر میرزا - بنده عرض میکنم قانون باید طوری نوشته شود که قابل اجراء باشد و شرایط مقامی و اصلاح آن فراهم کرده باشند و الاجزای را بنویسند و نتوانند اجراء بکنند علاوه بر اینکه این نوشتن بی فایده است اسباب تولید خیلی مفاسد میشود اینکه هیچکس در هیچ نقطه ایران حق طبابت ندارد آنرا می نویسد و منتشر هم میشود یکی ملاحظه فرمایند که در ولایات چه مداخلات جزء و کل در این امور میشود نسبت باطباء و همچنین چه دست و پاها از طرف اطباء خواهد شد شرایطی از برای این کار هست اگر بعد از شش ماه دیگر در رنجان یا در کرمان بفلان طبیب گفتند حق طبابت نداری بجهت اینکه پنجسال طبابت نکرده ای شرطی مهیا است که مطابق آن شرط تکلیف او معین شود یاخیر اگر آن شرط ممکن نیست امدتی فراهم باصلاح بشود چه فایده دارد که اینرا بنویسیم و یک اسباب اشکال زیادی برای دولت فراهم بیاورد دوم از برای طبیعی محلی که جزء این قانون هستند اهم از اینکه تصدیق کرده باشند یا نکرده باشند و همچنین از برای حکومت اسباب زحمت است که بنده دیگر شرح جزئیات آن بی ترتیبی هارا در اینجا صلاح نمیدانم و اشخاصیکه اطلاع و سابقه دارند بعضی ترتیبات میدانند که این قبیل مطالب که لا تکلیف بماند بطور اشکال فراهم خواهم خواهد کرد اگر بی اثر ماند که بعضی معایب نسبت بمطلق قوانین حاصل میشود و اگر بؤن واقع شود که بعضی شرایط مقامی او ترتیب داده بشود حرفی ندارم علی العجالة مال طهران را منظم و دائر بکنید و بعد بتدریج بسایر جاهه بپردازید.

ذکاءالملک (مخبر کمیسیون معارف) خاطر آقایان هست که در وقتیکه شور اول این قانون میشد راپورت کمیسیون این بود که عملاً این ترتیب انحصار

ب طهران داشته باشد و بنده هم مدافع بودم لکن بعضی پیشنهادها از طرف نمایندگان و انصافاً بهم اگر ملاحظه شود هر قدر قوانین عمومیت داشته باشد بهتر است کمیسیون بعد از ملاحظه این پیشنهادها یک ترتیبی اتخاذ کرد که هم مزیت مطلوبه کفصومیت قانون است حاصل شود هم اینکه طوری باشد که محظوری پیش نیاید و قابل الاجرا باشد ملاحظه فرمایند اینجا عرض میکنم و قابل الاجرا باشد ملاحظه فرمایند اینجا عرض میکنم هیچکس در طهران حق طبابت نداشته باشد نوشته شده است هیچکس در ایران حق طبابت ندارد ولیکن ترتیبیکه برای طهران داده شده برای ولایات داده نشده است بنا بر اینکه آندمه عرض کردم اسپیکه در تهران فراهم است در ولایات فراهم نیست که بتوانیم قانونرا در ولایات هم مثل طهران اجرا کنیم و اطباء حاذق هم که لازم است در ولایات بقدر کفایت نیستند بنا بر این قانونرا عمومیت دادیم ولیکن طریق اجرای آنرا در مرکز ولایات متفاوت قرار دادیم در طهران بطوری که ملاحظه فرمودید اشخاصی را که تحصیل نکرده اند جنابم کردیم بعضی را زد کردیم بعضی را قبول کردیم بشرط امتحان دادن یا بواسطه طول مدت طبابت ایشان اما در ولایات گفتیم اطباءیکه تا تاریخ نشر این قانون مشغول طبابت بوده اند اجازه طبابت می توانند بگیرند و همین قدر خودشان را باید بدولت معرفی کنند و بنمایند که در تاریخ نشر این قانون مشغول طبابت بوده اند چون چاره غیر از این نداریم ولیکن چیزی که هست چون هم یکوقتی باید باین ترتیب غلط حالیه خاتمه داده شود می گوئیم از حالا بعد هیچکس نباید مشغول طبابت در ولایات بتواند بشود مگر اینکه تصدیق نامه داشته باشد اما آنهایی که تاکنون مشغول طبابت بوده اند نمی توانند مخالفت بکنیم و بدون شرط با ایشان اجازه می دهیم و در خصوص پیشنهاد آقایان اسان الحکماء کمیسیون اکتفا نکرده است به تبدیل لفظ تهران به ایران و اعضاء کمیسیون عقیده نداشته اند که این قانون را عمومیت بکنند یا اینکه فقط لفظ تهران را بایران تبدیل کنند بلکه چیزی هم در آنجا اضافه شده که یک ماده الحاقیه میشود و آن ماده میبایستی خوانده شود که آقایان بدانند که ترتیبی داده شده است که می توان در ولایات هم بجهت اجراء کرد.

افتخار الواعظین - بنده در مقام قانون گذاری همیشه عقیده ام این بوده است و خواهد بود که قانون را باید قسمی نوشت که بعد از امضاء بوقع اجرا برسد یعنی بهر اندازه که اسباب و لوازم اجرای آنرا حاضر داریم مطابق همان لوازم و اسباب آنروزه قانون بگذاریم بعد از برای دهسال دیگر یا پنجسال دیگر اگر لوازم اینکار زیاد تر شده که در ولایات هم اسباب اجرای قانون فراهم شود بدیهی است که در همان روز ممکن است مقنن آن قانون را عمومیت بدهد و یک ماده قانو زیاد کند قانون وضع شود و اجرا بشود بهتر است نسبت بمقتضات تا اینکه تمیم داده شود ولی برای نشانن وسایل و اسباب اجرای آنرا موکول بینجسال یا ده سال دیگر بکنیم بنده عرض میکنم که اینجا نوشته شده است که هیچکس در هیچ یک از نقاط ایران حق طبابت ندارد اگر چنانچه اقلش در هر کدام از شهر های ایران آن شهرهای کوچک یک نفر طبیب که

واقفاً طبابت را بطرز قدیم کاملاً میدانست میدانستیم می دانیم که طبیب قدیمی بوده نه طبیب بطرز جدید ممکن بود که ما این ماده را بگذاریم و بگوئیم کسانی که بعد از این میخوانند داخل طبابت شوند نگذارند و مسامتت کنند تا این که اجازه بگیرند آنوقت مشغول طبابت شوند چون بسدبختانه میدانم که در بیشتر شهرها یک نفر طبیب کامل قدیمی نداریم بعد از آنکه این قانون نشت بنده نمی دانم که مردم در شهرها بابودن همان طبیعی ناقص آنها تکلیفشان اینست که مریض نشوند یا بان اطباء ناقص رجوع نکنند و اگر با آنها رجوع نکردند فوراً طبیب کامل حاذق برای آنها از کجا تهیه خواهد شد که دفع احتیاج آنها را بکنند بنده عقیده ام اینست که این قانون بالفعل منحصر بشهر طهران باشد پس از اینکه کم کم مدارس طبی در مملکت دائر شود و طبیب درست کردیم آنوقت باید بگوئیم دیگران طبابت نکنند اول باید طبیب درست کرد و بعد مردم گفت کسی طبابت نکند مگر بفلان شرایط وقتی که طبیب را حاضر کردیم آنوقت می توانیم عمومیت بدهیم که تمام شهرهای ایران داخل در این قانون باشند ولی امروز بواسطه متوسط طول مدت طبابت ایشان اما در ولایات گفتیم اطباءیکه تا تاریخ نشر این قانون مشغول طبابت بوده اند اجازه طبابت می توانند بگیرند و همین قدر خودشان را باید بدولت معرفی کنند و بنمایند که در تاریخ نشر این قانون مشغول طبابت بوده اند چون چاره غیر از این نداریم ولیکن چیزی که هست چون هم یکوقتی باید باین ترتیب غلط حالیه خاتمه داده شود می گوئیم از حالا بعد هیچکس نباید مشغول طبابت در ولایات بتواند بشود مگر اینکه تصدیق نامه داشته باشد اما آنهایی که تاکنون مشغول طبابت بوده اند نمی توانند مخالفت بکنیم و بدون شرط با ایشان اجازه می دهیم و در خصوص پیشنهاد آقایان اسان الحکماء کمیسیون اکتفا نکرده است به تبدیل لفظ تهران به ایران و اعضاء کمیسیون عقیده نداشته اند که این قانون را عمومیت بکنند یا اینکه فقط لفظ تهران را بایران تبدیل کنند بلکه چیزی هم در آنجا اضافه شده که یک ماده الحاقیه میشود و آن ماده میبایستی خوانده شود که آقایان بدانند که ترتیبی داده شده است که می توان در ولایات هم بجهت اجراء کرد.

بهجت - آقای افتخار الواعظین گویا بیانات آقای مخبر را گوش ندادند عملاً شراطی که برای ولایات نوشته میشود بقدری سهل است که نمی شود دروا اشکال کرد یکی اینست که طبابت در ولایات بکلی آزاد باشد بعقد بنده باید هر کسی میکند یک شرطی برایش قرار داد که افلاک مدتی نسخه نویسی پیش بکلیبی کرده باشند اینک مثل اشخاصی که حجاز بارمال هستند و طبابت هم میکنند و میروند در ولایات و دهات مردمرا بکشتن می دهند چنانچه از این قبیل بوده است پس طبابت یک چیزی نیست که آزاد محض باشد باید یک شرطی داشته باشد و آنوقت که شرایطش را بنویسیم یکطوری باید قرار بدهیم و بقدری باید سهل باشد که در تمام ایران مجری بشود فرضاًم اگر اجری بکفتری اشکال داشت و شرایطش قدری سخت باشد ممکن است که یکماده در ذیل آن در همینجا نوشته شود که اجرائ این قانون ابتدا از طهران باشد و بعد از پنجسال یا بعد از حصول فلان شرایط در سایر بلاد ایران خواهد جاری شد عقیده بنده اینست که در هیچیک از بلاد ایران ما نتوانیم بگوئیم که طبابت آزاد است و هر کس پهرشکی میخواند طبابت بکند.

سعیدالاطباء - بنده عقیده ام اینست که قانونا باید طوری وضع کرد که دچار محظورات نشویم عقیده بنده اینست که اگر این مسئله را بخواهیم بنویسیم که در تمام ایران پرمیخوریم خیلی از محظورات آقایانی که قدری مسافرت فرموده اند دیده اند که کمتر می شود در ولایات طبیعی باشد که تحصیل کرده باشد چه در داخله و چه در خارج و عده اطباء بقدری باشد که کفایت طبابت آنها را بکنند یا بجهت بنده عقیده ام اینست که ممکن نیست که بدون شرط قرار بدهیم و موافقم با اینکه یک شرطی قرار بدهیم ولی در ولایات بعد از یک سال اجرای آنرا قرار بدهیم

بجهت اینکه الان هیچ ممکن نیست که ما بخواهیم این قانون را در تمام نقاط مجری بداریم باید در تمام مطبها را ببینیم آنوقت ابتدا طبیب نخواستیم داشت و یا اینکه امروزه طبیب کم دارد کمان نمی کنم هیچ ممکن باشد باین ترتیب در تمام ولایات اجراء کرد.

ذکاءالملک - در باب عمومیت این قانون ملاحظه فرمودید که یک ترتیبی داده شده است که از آن سهل تر دیگر ممکن نیست که گفتیم امروز هر کس در هر نقطه ایران که مشغول طبابت است کسی مانع نمی کند فقط خودش را معرفی بکند با اجازه داده خواهد شد از امروز بعد کسیرا اجازه نمی دهند که بدون تصدیق نامه و اجازه نامه طبابت بکنند و اینکه آقای افتخار الواعظین گفتند تکلیف مردم چه خواهد بجهت اینکه بهمان اطباءیکه رجوع میکردند باز رجوع خواهند کرد یا تصدیق نمیرماید بکوقتی باید باین ترتیب نهایت داده شود که هر کس با هر اندازه بیسودی نمی تواند طبابت بکند و یک نکته دیگر هم لازم میدانم آقایان را متذکر کنم که وقتی بنشین شغل طبابت محدود بشود خود این کار مشوق بزرگی خواهد بود برای تحصیل کسانی که می خواهند طبابت کنند برند و تحصیل بکنند امروز که مدرسه بی ایران چندان رونق ندارد بواسطه اینکه کسی خودش را محتاج نمیداند بیاید تحصیل علم بکند بجهت اینکه تصور می کند عمری تلف کرده است و واقعاً هم اگر تحصیل بکند یک کار خلاف عقل معاش کرده است مگر اینکه خودش یک وجدان صحیحی داشته باشد و انصاف بدهد که شایسته نیست که بدون علم طبابت بروم جان مردم را بخطر بیندازم اگر این وجدان را نداشته باشد چرا بیاید مدتی تحصیل بکند و ده سال یا نوزده سال عمرش را تلف بکند آنوقت تازه مطابق باشد با یک آدمی که هیچ تحصیل نکرده است وقتی که طبابت را محدود کردیم مردم نتوانستند طبابت بکنند دیگر تحصیل و داشتن اجازه البته میبایست تحصیل میکنند و طبیب صحیح میشوند بعد طبابت می کنند اگر این قانون اجراء بشود و مردم بفهمند که طبابت منوط بتحصیل است عنقریب اطباء بقدر کفایت تحصیل کرده از خارج و داخل پیدا می شوند که دفع حاجت بشود یعنی پنج شش سال دیگر اطباءیکه تحصیل کرده باشند ولو کامل هم نباشند بقدری پیدا خواهد شد که آنقدر دست و پای مردم از این حیث تنگ نباشد.

رئیس - شما می بینید که کرات در این خصوص کفایت.

(بعضی اظهار کردند که کافی نیست)

رئیس - آقای دکتر امیرخان فرماید.

دکتر امیر خان - بنده تأیید می کنم فرمایشات آقای مخبر را که فرمودند حالا برای ولایات هیچ فرقی نخواهد کرد بجهت اینکه الان که این قانون وضع می شود آنهایکه الان مشغول طبابت هستند خواهند بودند دلیلی که آقایان مخالفتند و میاورند اشکال اجراء است و فرمایشی را که آقای مخبر فرمودند معلوم میشود که آن اشکال نیست و

در ثانی اگر ما فکر بکنیم که اشکالی خواهد بود که قوانین را برای بعد وضع کنیم بنده خاطر دارم که قانون مالیات نواقل از مجلس گذشت و هنوز در تمام ولایات اجراء نشده است پس دلاییکه آقایان مخالفین میاورند چندان صحت ندارد و بنده این اطباءیکه بدون علم طبابت می کنند آنها را هیچ فرق نمیدهیم با اشخاصی که قاتل هستند این بلامرئ اینکه قاتل است یک حمله هم می کند بجهت اینکه آن شخصی که امنیت باو دارد و می رود که جانش را باو بسپارد و این نمی تواند حفظ جان او را بکند مثل اینست که یک حمله کرده باشد این هم قاتل است هم قتلش راجع به حمله است و در سابقه یک حمله و مسئولیت آنطیب خیلی زیاد است و اگر این قانونرا آزاد بگذارند که هر نوع و کیف مایشاء بتوانند مردم را معالجه بکنند و هر طوریکه میدانند و اگر مریضانرا بآن معالجات بکشند هیچ مسئولیتی نداشته باشند خیلی بد است حقیقت اینست که این قانون باید عمومیت داشته باشد و اگر منحصر بکنیم بشهر تهران مثل اینست که اجازه داده باشیم بسایرین در ولایات هر نوع و کیف مایشاء بتوانند معالجه بکنند یعنی بکشند.

معاضدالملک - بنده با تعمیم قانون طبابت بولایات کاملاً موافم لکن یک اشکالی بنظر من رسیده که عرض میکنم اگر رفیع آن اشکال را آقای مخبر و اعضاء کمیسیون فرمودند بنده هم امروز مخالفی نخواهم کرد اگر بخواهیم ما امروز این قانونرا تعمیم بدهیم بولایات قبل از آنکه مدرسه طبی در ولایات داشته باشیم مایک جماعت کثیری را محروم خواهیم کرد از شغل طبابت باین معنی که اشخاصیکه قبل از طبابت میکنند آنها غلط یا صحیح مشغول طبابت هستند لکن وقتیکه بنشین بعد از این غیر از این اشخاص حق طبابت نداشته باشند اشخاصیکه قهر هستند نمیتوانند بر مرکز بیایند تحصیل بکنند اشخاصی هم که صاحب ثروت هستند بواسطه اینکه خیلی اشخاص نالایق مقام طبابت را اشغال کرده اند یعنی خیلی تعزیر کرده اند مقام طبابت را آنهم اولادشان را برای تحصیل طبیب بکنند و برای تحصیل طبیب مرکز نخواهند فرستاد و شمایک آسیای فراهم خواهد کرد که بعد از سه چهار سال دیگر ضعیف در ولایات نخواهیم داشت پس بنده باین ملاحظیات مخالفم با این قانونکه اینرا تعمیم بدهیم بولایات برای اینکه اولاً ما باید وسائل تحصیل طببرا در ولایات ایجاد کنیم آنوقت باید تجدید کنیم اشخاصیکه تحصیل نکرده اند یعنی شرایط قانونی را دارا نیستند حق طبابت را ندارند باین جهت بنده مخالفم با این قانون و عقیده ام اینست که این قسم تعمیم داده نشود با اشخاصیکه در تهران حق طبابت ندارند در ولایات حق طبابت بدهند و اینست که تشویق خواهد کرد کسانی که قوه ندارند که بیایند بر مرکز و تحصیل بکنند.

ذکاءالملک - این نکته را همیشه باید در نظر داشت که احتیاج مادر اختراع است و وقتیکه مردم محتاج شدند یک چیزی آنرا فراهم میکنند عرض کردم مردم تا امروز محتاج نبوده اند از برای طبابت تحصیل بکنند وقتیکه حادی برای طبابت قرار داده شد آنوقت یقیناً تحصیل خواهند کرد و اطباء تحصیل کرده پیدا خواهد شد در ولایات هم لازم نیست مدارس طبی تاسیس بشود در تهران که مدرسه

رئیس - شما می بینید که کرات در این خصوص کفایت.

طبی هست کفایت و این که فرمودند اشخاص مشمول نیایند تحصیل طب بکنند یا اولادشان را برای تحصیل بفرستند اشخاص قهریم نمیتوانند بیایند تحصیل بکنند بلی این مادامی است که در این مملکت کارشطرزند گانی نباشند تصدیق میکنم که تا بحال در این مملکت کارشطرزند گانی نبوده چیزهایی شرط زندگانی بوده است غیر از کار کردن و مادامیکه این ترتیب باشد حال ما همین خواهد بود ولی گمان میکنم که امروز داخل در یک دوره شده ایم که قاتل شده ایم باینکه انسان بوسله کار باید تحصیل معاش بکند و در دنیا یکی از کارها که باید وسیله معاش باشد طبابت است و وقتیکه مردم از راه مفت خوری و از راههای غیر مشروع دیگر نتوانند تحصیل معاش کنند مجبور میشود هر کسی یک نوع وسیله برای امر معاش خودش پیدا بکند از کسبی و صنایع و حرف و علوم و غیره ها که از جمله یکی هم طبابت است و همین یک مدرسه طبی که در طهران هست باین جمعیت حالم ایران کفایت میکند و وقتیکه مردم خواستند تحصیل بکنند همین مدرسه دارالفنون بر خواهد شد و تا پنج شش سال دیگر خواهد دید که اطباء تحصیل کرده بقدر کفایت برون خواهد آمد.

رئیس - حالا آقایان مذاکرات را کافی میدانند؟ (اظهار شد بله)

یک اصلاحی از طرف آقای دکتر علیخان پیشنهاد شده است قرائت میشود و رای میگیریم (بمضمون ذیل قرائت شد).

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده اول لایحه طبابت این طور نوشته شود هیچکس در هیچ نقطه ایران حق طبابت و دندانسازی ندارد الا آخر

رئیس - کمیسیون این اصلاح را قبول دارد.

ذکاءالملک - ضرر ندارد دندانسازی را هم جزء بکنند.

دکتر علیخان - بنده همیشه می خواستم عرض بکنم برای بعضی آقایان که این مطلب خیلی بنظرشان عجیب می آید که در نظر بیاورند که یک کسی که دندانسازی نمی داند لازم است که دندانسازی بکند یا لار نیست فرض فرمایند حالا تا ده سال دیگر هم در این مملکت مدرسه دندانسازی نباشد اشخاصی که هم نمی توانند دندانسازی بکنند دندانسازی می کنند و اسباب زحمت برای مردم فراهم شود اشخاصی که در خارج هستند مشغول باین عمل خواهند بود و اشخاصیکه نمیدانند تا وقتیکه دولت اسباب آنرا فراهم نکند همین طور که قانونرا مقنن گذاشته است دولت هم درصد اجرائی آن برمی آید و در کمال سهولت می تواند در همین مدرسه دولتی یک مدرسه دندانسازی معین بکند و از آنجا هم تصدیق بگیرند و مشغول دندانسازی شوند و گمان میکنم جلوگیری از این کار هیچ اهمیت ندارد برای اینکه در خیلی از ممالک حق نمیدهند به دندان ساز که مریض را ببیوش بکنند مگر بامضای طبیب و اینجا خیلی از اشخاص هستند هیچ اطلاع از دندانسازی ندارند و هزار جور از مردم بول میگیرند و میخورند ایشا باید جلوگیری کرد و نباید گذاشت که اینقبیل مردم اسباب اشکال برای مردم فراهم کنند.

رئیس - چون کمیسیون قبول کرده است

اینرا در آخر رأی میگیریم اینجا سه فتره اصلاح دیگر پیشنهاد شده است (۱) از طرف دکستر لقمان بسمارت ذیل فرائت شد (۲) بنده پیشنهاد میکنم که اشخاصیکه مشغول بشمیه مخصوص از علم طب میباشد مشغول قوانین و مواد فوق الذکر هستند

دکاء الملک - این مطلب قابل توجه است آن پیشنهادی هم که آقای دکستر عنی خان کردند راجع میشود بهمین مطلب پس در اینصورت بنده عقیده ام اینستکه لفظ دندانسازی را در ماده اول اضافه بکنند بلکه اینماده اول همانطور که هست باشد در کمیسیون با اصلاح آقای دکتر علیخان تطبیق میکنم و اصلاح میشود

رئیس - رجوع میشود بکمیسیون پس ماده اول میماند (۲) از طرف آقای انتظام الحکماء فرائت شد (بنده پیشنهاد میکنم هیچکس از اطبائیکه کمتر از ۵ سال در طهران مصب باز کردند حق طبابت ندارند مگر آنکه از وزارت معارف اجازه نامه طبابت گرفته باشند و نسبت وزارت داخله رسانیده باشند

انتظام الحکماء - عرض میکنم اشخاصی که دارای مصب بوده اند قبلاً آنها بواسطه تحصیلات و تجربیاتیکه دارند دهسال یا زده سال لابد آنها تا یکمدرجه امتحانات خودشانرا نسبت بهمان دروس در مصب داده اند و در کمتر از دهسال و پنجسال اشخاصی که مصب باز کرده اند آنها خارج از دو قسم نیستند یا اشخاصی هستند که دیلمه هستند اینها البته دیلمه خودشانرا ارائه می دهند و آنهائیکه دیلمه نیستند لابد باید که بروند و اجازه نامه بگیرند پس کمتر از پنجسال بنده عقیده ام اینستکه صحیح نیست و لابد اقل اینطور که بنده پیشنهاد کرده ام نوشته شود

رئیس رأی میگیریم با اصلاح آقای انتظام الحکماء (اغلب قیام نشودند) (۳) از طرف آقای لواء الدوله بطور ذیل خوانده شد بنده پیشنهاد میکنم که بجای هیچکس در هیچ نقطه ایران حق طبابت ندارد این نوع نوشته شود هیچکس در طهران و شهرهای معظم ایران حق طبابت ندارد و در شهرهای متوسط تا یکسال بعد از نشر اینقانون و در شهرهای کوچک و قصبه جات و بلوکات تا دو سال بعد از نشر این قانون حق طبابت ندارد

لواء الدوله - عرض می کنم علتی که اینجا ذکر شده است برای این است که یقین است که وزارت معارف در اینصورت میتواند تهیه اطباء بکند یعنی ممکن است بعضی اشخاص از ولایات دعوت بکنند و تصدیق نامه بگیرند و آنوقت بروند بولایات اما اینکه ماوششیم تا ششماه یا چهار ماه این آفتدر وقت ندارد و وقت کم است و مردم آنجا را هم نمیشود گفت که هیچ مریض نشود لابد مریض میشود و آن اطباء هم هیچ تصدیقنامه ندارند و مردم با آنها معتقدند باید بهمان طریقها فعلاً رجوع بکنند

و معالجه بشوند تا زمانیکه طبیب صحیح که با تصدیق- نامه وزارت معارف از اینجا روانه بشود اینجا نوشتیم در شهر های بزرگ ممکن است در هر شهری ده یا زده طبیب داشته باشد اما شهر های کوچک و قصبات هیچ طبیب ندارد تقریباً همان کمال و رمال است

رئیس - عقیده کمیسیون در اینصورت چیست

دکاء الملک - عقیده کمیسیون اینست که طریقیکه کمیسیون اختیار کرده از این ترتیب سهلتر است

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه اصلاح آقای لواء الدوله را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام ننمودند) قابل توجه نشد - اینماده بر میگردد بکمیسیون چون لایحه تفتیشیه مقدم بود بر این لایحه و وزراء تشریف نداشتند شروع باین کردیم حالا که تشریف آورده اند اینرا حالا میگذاریم و شروع میکنیم بلایحه تفتیشیه لایحه تفتیشیه است که از طرف دولت پیشنهاد شده است خوانده میشود (بسمارت ذیل فرائت شد)

مجلس محترم شورای ملی تفتیش عالی و واقعی در اعمال استقراض جدیدی که از بانک شاهنشاهی شده و در مخارجی که برای آن تخصیص میشود وظیفه طبیعی و مخصوص وزارت مالیه است یکی از بزرگترین معایب تشکیلات و تأسیسات امروزه مالیه دولت ایران کثرتتعدد ادارات که دوایر مجزائی است که تحقیقاً یا تقریباً یک کار معین را انجام میدهد واضعترین نتیجه این موضوع اشکالی است که در تعیین و تشخیص وظایف مختصه هر یک از ادارات و مسئولیت خضهای ساده از آنها دیده و مشهود میشود بنا بر این واضح است که ایجاد تشکیلات جدید با اختیارات مهم و ویراکننده و مطلق یعنی مانند تشکیلاتی که فعلاً داریم جز افزایش اغتشاش و درهم برهمی که در ادارات موجود است نتیجه نخواهد داشت پس چیزی که امروز مناسب است داشتن تشکیلاتی است که ساده تر بوده و نتیجه هم بیشتر بیخشند نه اینکه یک اطاق باطاقهای این اداره اضافه کنیم بولی که از این استقراض عاید میشود رنگش با سایر بولهای که از گمرک و مالیاتهای مستقیم و کلیه منابع عایدات دولت عاید میشود تفاوتی ندارد از طرف دیگر تفتیش و نظارت مخصوصه در عایدات و مخارج یک مبلغ کلی کار اداره است که سه شرط مهم ذیل را مستلزم میباشد درستی - تجربه در امور مالیات و مسئولیت ثابت معین بولی و دوش شرط اخیراً یک کمیسیون یا زده نفری ممکن است فاقد باشد چند روز است که تفتیش عالی امور مالیه ایران مستخدم خارجه که دارای سمت خزانه دار کل است سربرده شده و

مشارالیه با معاونین خود برای اصلاح و اداره کردن امور مالیه ما آمده است هر قدر باشد که از مشارالیه مسئولیت حسن جریان امور مالیه خودمانرا بخواهیم در مقابل باید تمام اختیاراتیکه مستلزم این شغل مشکل او است بمشارالیه واگذار کنیم خزانه دار کل یک نقشه و طرح موقتی برای تشکیلات واقعی وزارت مالیه ریخته است طرح مذکور شامل سه اداره یا دائره میباشد از قرار ذیل (۱) اخذ کلیه حقوق و مالیات و عوارض دولت از هر قبیل (۲) تفتیش

مخارج و درآمد از هر قبیل و محاسبات راجعه بآنها (۳) اعمال بانکی - ضرب سکه - مبادله استقراض نقد استهلاك و تمبرها - وظایف و اعصابکه برای این کمیسیون فوق العاده پیشنهاد شده بنو قسمت اخیر تعلق دارد ولی چون تشکیلات فوق الذکر هنوز ایجاد نشده است لازم است که عجلتاً یک شعبه موقتی تشکیل گردد که مدت چند ماهی اعمال و کار های فوریه که مستقیماً مربوط باستقراض است انجام دهد این شعبه در تحت نظارت خزانه دار کل خواهد بود همینکه تشکیلات جدید وزارتخانه ها ایجاد شود دفاتر حساب و محاسبات و نوشتجات و راپورت های شعبه فوق الذکر بدارت مربوطه جدید وزارت مالیه تسلیم خواهد شد بدلائل مذکوره فوق موارد ذیل را پیشنهاد مجلس شورای ملی نموده تصویب عاجل آنرا تمنا و فوریت آنرا تقاضا مینماید

رئیس - خوب می خواهید بنویسید بفرستید رأی بگیریم آقای مخیر اصلاح عبارتی پیشنهاد کرده اند که عوض (صورت اوضاع مالیه راجعه باستقراض را در ضمن راپورت تقدیم مینماید) نوشته شود (راپورتنی که متضمن میزان خرج و وجه استقراض باشد تهیه نموده بدولت تقدیم مینماید

فهم الملک - عبارت این ماده را مقرر بفرمائید بخواهند اصلاح عبارتی است (بعبارت ذیل خوانده شد)

ماده (۳) لایحه تفتیشیه این قسم نوشته شود در آخر هر ماه وزارت مالیه راپورتنی که متضمن میزان خرج وجه استقراض باشد تهیه نموده بدولت تقدیم می نماید

فهم الملک - اینجا نوشته شده است اوضاع مالیه راجعه باستقراض این معنی ندارد این ترجمه لغتی است (Situation Financiere) لغتی در آخر هر ماده یک جمعی دارند معین مقصود اینست که ببینند در آخر هر ماه از آن چقدر خرج کرده اند و چقدر از آنرا رسانیده اند و این در اینجا مقصود نیست بلکه اوضاع مالیه راجعه بوجه استقراض باید صورت خرج آنرا معین کنند آن وقت پیشنهاد دولت کنند

وزیر امور خارجه - اینجا گویا منظور دیگری هم داشته باشد چون در اینجا ضرب سکه است مبادله است منفعت است کار های دیگر است استهلاك است و ملاحظاتی هست که اوضاع مالیه راجعه باینها باشد جامعتر خواهد بود

رئیس - پس رأی میگیریم باین ماده بطوری که نوشته شده است

آقا شیخ ابراهیم - بنده پیشنهادی دارم (پیشنهاد مذکور بسمارت ذیل فرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که ماده سوم باین ترتیب نوشته شود: در آخر هر ماه وزارت مالیه صورت اوضاع راجعه بوجه استقراض را در ضمن راپورت خود به دولت داده و از طرف دولت طبع و توزیع شده بنمایندگان مجلس شورای ملی داده خواهد شد

رئیس - عقیده کمیسیون در اینصورت چیست؟

فهم الملک - یکمرتبه دیگر بخواهند (مجدداً فرائت شد)

فهم الملک - این قسمت آخرش خیلی چیز زیادی بنظر می آید هیچ همچو چیزی معمول نیست که در آخر هر ماه صورت خرج را طبع و توزیع کرده (ماده سوم مجدداً فرائت شد)

بمجلس بدهند قسمت اولش صحیح است اما قسمت آخرش خیلی غریب است

آقا شیخ ابراهیم - اولاً اوضاع راجعه باستقراض صحیح نیست حال حال استقراض نیست حال حال وجوه استقراض است و ثانیاً صورتحساب را بنده و اینهم هر گاه چاپ بشود و بنمایندگان داده شود این اسباب اطمینان خواهد بود بسیار چیز خوبی است ضرر هم ندارد

حاجز الملک - بنده خواستم عرض کنم هر چیزیکه ظاهرش قدری خوب شد نباید فوری پذیرفت هر ماهه راپورت بمجلس شورای ملی بیاید چه خواهد شد اگر مقصود نظارت و کلاه است که البته نظارت دارند در هر موقع می توانند رسیدگی و سؤال و استیضاح بکنند والا مجلس شورای ملی دیوان محاسبات نیست که آخر هر ماه هر صورت حسابی را ببیند بنظر بنده این لازم نخواهد بود

رئیس - رأی میگیریم باین اصلاح آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند) در شد آقای وحید الملک پیشنهاد کرده اند خوانده می شود (بعبارت ذیل فرائت شد) این بنده پیشنهاد میکنم که جمله ذیل بآخر ماده (۳) افزوده شود (و یک صورت آنرا وزیر مالیه تقدیم کمیسیون بوجه مجلس خواهد کرد

رئیس - آقای مخیر چه می فرمائید

فهم الملک - بنده عرض می کنم بعد از سه چهار ماه دیگر که مجلس نیست آن صورت را آنوقت بکی خواهند داد برای دادن صورتهای مادر قانون محاسبات فراری گذشته ایم بمجلس بدهند اما منظور که شما می فرمائید چطور بدهند مجلس گویا حق نداشته باشد داخل در جزئیات محاسبات وزارت بشود

وزیر امور خارجه - اینجا بعبارتی دارد که اگر محل توجه بشود ممکن است که رفع این اشکالات بشود می نویسد کرنک این پول بارنگ سایر بولها تفاوت ندارد اینرا باید منظور داشت البته کاریا که مجلس شورای ملی دارد نظارتش باید بنام مالیه متوجه باشد که خرج را تصویب و ترتیب آنرا مرتب و منظم بکند که مشغول اجراء بشوند با این پول باید این معامله را بکنند که با سایر وجوه مملکتی می کنند این است که در سبب دادن صورت ایرادی نمیکند امامتباذ دادن این پول با سایر بولها وجهی نخواهد داشت

وحید الملک - بنده بنده بچندین ملاحظه این پیشنهاد را کرده ام اولاً کمیسیون بوجه مجلس باید اطلاعات کامله از امور مالیه همیشه داشته باشد و متأسفانه کمیسیون بوجه آن اطلاعات را ندارد و بوجه کل مملکت هنوز نیامده است و بسا می شود راپورتهای از کمیسیون بوجه راجع بجزئیات بوجه کل بمجلس می آید و بنده میبینم آن اطلاعاتی که باید داشته باشد از جزئیات ندارند و این صورتهای جزء که فرستاده میشود بکمیسیون بوجه آن منفعت را خواهد داشت و ما هم یک نوع اطمینانی پیدا میکنیم که لااقل یک صورتی بکمیسیون بوجه فرستاده می شود و دیگر اینکه هر گاه آقایان و کلاه اطلاعاتی لازم داشته باشند راجع بهمین موضوع دیگر لازم

نیست که بروند به هیئت رئیس زحمت بدهند و هیئت رئیس ایشان راپورتهای مالیه رجوع کنند و بروند بوزارت مالیه از جزئیات مخارج اطلاعات پیدا بکنند میتوانند با کمال آسانی هر جزئیاتی که می خواهند در آنجا رجوع بکنند و آن اطلاع را حاصل بکنند بنده عرض می کنم این اگر آن منفعت کلی را نداشته باشد قبل از اینکه بوجه کل بمجلس آمده باشد و کمیسیون بوجه مالیه اطلاعاتی حاصل بکند از این راپورت ماهانه یک نسخه دریافت بکنند هیچ ضرر نخواهد داشت اگر این منافع را کاملاً نخواهد داشت ضرر هم نخواهد داشت

رئیس الوزراء - بنده عرض میکنم که استماع این گونه فرمایشات تا وقتی بود که مستشار های خارجه نیامده بودند حالا در صورتیکه یک همچو شخصی آورده ایم که محل اعتماد ماست دیگر این فرمایشات را بنده زیاد می میدانم دیگر چه عرض کنم

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقای وحید الملک آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام ننمودند) قابل توجه نشد رأی میگیریم بنده سوم ترتیبی که در لایحه نوشته شده است آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام ننمودند) اکثریت است ماده چهارم (ماده چهارم مجدداً فرائت شد

رئیس - مخالفی نیست (اظهار شد خیر کسی مخالف نیست رأی میگیریم بنده چهارم به همین ترتیبی که خواند شد آقایانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام ننمودند)

تصویب شد مذاکره در کلیات هست اظهار شد خیر مخالفی نیست رأی میگیریم باین لایحه تفتیشیه پیشنهادی دولت که متضمن چهار ماده است و مواد آن یک یک تصویب شد رأی میگیریم به کلیه آن آقایانی که کلیه این لایحه را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) یا اکثریت ۶۷ رأی تصویب شد در دقیقه تفصیل داده میشود بعد از تفصیل قانون طبابت است از ماده دوم مجدداً بعد از تفصیل یک ساعت قبل از غروب جلسه تشکیل گردید

رئیس - ماده اول از قانون طبابت که به کمیسیون رجوع شده بود و راپورتش داده شده است فرائت می شود

ماده یک هیچ کس در هیچ نقطه ایران حق اشتغال به هیچ یک از فنون طبابت و دندانسازی ندارد مگر آنکه از وزارت معارف اجازه نامه گرفته و ثبت وزارت داخله رسانیده باشد

رئیس - مخالفی هست؟

ادیب التجار - وضع قانون بیجهت آسودگی مردم و جلب توجه آنان بقانونست بنده تجربیاتی که حاصل کرده ام در این مدت و دیده ام هر چیزی را که با یک عقیده صافه آنرا قانون قرار دادیم برای رفاه مردم و آسودگی عموم در آنجائی که اغلب مردم موافق بمصالح خود نیستند و آسودگی خودشان از روی غفلت و نادانی واقف نیستند و بعضی مأمورین ما هم حدود مأموریت را نمیدانند آن قانون یک